

## مفهوم‌سازی و گونه‌شناسی فضای عمومی شهری معاصر

یوسف اشرفی\* - پژوهشگر دکتری برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

احمد پوراحمد - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

محمدتقی رهنمایی - دانشیار، گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

مجتبی رفیعیان - دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس

پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۲/۰۸ تأیید مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۷

### چکیده

«فضای عمومی» موضوع در حال رشد دامنه متنوعی از رشته‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی است. هر رشته‌ای فضای عمومی را از طریق لنزهای متفاوت و با علایق خاص و نگرانی‌های پیش رو می‌بیند. دانشمندان سیاسی برای نمونه بر دموکراسی و حقوق در فضای عمومی تمرکز دارند. جغرافی‌دانان بر حس مکانی و نامکانی، حقوق دانان بر مالکیت و دسترسی در مکان‌های عمومی، جامعه‌شناسان بر تعاملات انسانی و محرومیت اجتماعی تأکید دارند و غیره. بنابراین، برای فهم فضای عمومی باید از مجموعه متنوعی از رویکردهای چندرشته‌ای (میان‌رشته‌ای) استفاده کرد. در کنار این، ترکیب اصطلاح «فضای عمومی» با دو کلمه «فضا» و «عمومی» و ارتباط آن با کلماتی مانند «مکان» و «مردم» بر ابهام و پیچیدگی این مفهوم افزوده است. با اذعان به این چندگانگی و تفاوت، نخستین هدف این مقاله تلاش برای روشن کردن مفاهیم فضای عمومی با توجه به ماهیت پیچیده این اصطلاح و ارائه تعریف جدیدی برای آن است. هدف دوم مقاله، معرفی الگویی معاصر برای گونه‌شناسی فضای عمومی با در نظر داشتن گستردگی مفهوم آن و با توجه به تعریف ارائه شده از فضای عمومی است. مقاله حاضر از نوع مقالات مروری است. نوع تحقیق بنیادی - نظری است که با استفاده از روش خوانش متن، و ارزیابی انتقادی متون مربوط به فضای عمومی، ماهیت پیچیده آن در متون مختلف را بررسی کرده و سپس با یک رویکرد استنتاجی و ترکیب نتایج، به تعریفی جدید و الگویی نظری رسیده است. خروجی اول تحقیق، بیان تعریفی جدید از فضای عمومی شهری است. این تعریف به سه اصل اساسی در فضای عمومی معاصر توجه می‌کند: ماهیت متغیر فضای عمومی؛ چالش عمومیت فضای عمومی؛ و توجه به شرایط تاریخی، سیاسی، سنت‌های فرهنگی، نیروهای اقتصادی و نیز تجربه شخصی از فضا در جوامع مختلف. با توجه به این تعریف، الگویی جدید برای گونه‌شناسی فضاهای عمومی معاصر پیشنهاد شده است (خروجی دوم). این الگو از شش معیار تشکیل یافته است، که هر کدام از معیارها در بالاترین سطح (میزان عمومیت)، دارای آنتی‌تز خود در پایین‌ترین سطح (میزان خصوصی بودن) است. به عبارت دیگر، در سطوح پایینی کیفیت فضای عمومی به لحاظ کارکردهای آن کاهش پیدا می‌کند؛ یعنی از میزان «عمومیت» آن کاسته می‌گردد و به میزان «خصوصی‌سازی» فضای عمومی اضافه می‌شود. با وجود این، هر کدام از این گونه‌های فضای عمومی بسته به شرایطی که در جوامع مختلف حاکم است (اصل سوم در تعریف فضای عمومی)، حدودی از کارکردهای عمومیت فضا را خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: عمومی، فضا، فضای عمومی شهری، گونه‌شناسی، مکان.

## مقدمه

کیفیت زندگی در شهرهای معاصر را نمی‌توان تنها بر پایه دسترسی به عناصر اساسی مانند غذا، آب، مسکن و مراقبت‌های پزشکی قضاوت کرد. عناصر دیگری مانند امکان درگیری در تعاملات معنادار با اجتماع وسیع‌تر، مشارکت مدنی، و نزدیکی به خانواده و دوستان باید مورد توجه قرار بگیرد. پس کیفیت زندگی قبل از همه، به شرایط توسعه زندگی شهری بستگی دارد. در حقیقت بخش بزرگی از آن در فضاهای عمومی شهر تجربه می‌شود (Lopez and Camanho, 2012: 2). اغلب کیفیت فضاهای عمومی نشان‌دهنده کیفیت کلی زندگی شهری است، برای همین در ادبیات طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری به اهمیت فضاهای عمومی تأکید دارند (Carmona et al. 2003; Carr et al. 1992; Madanipour 1999; Sorkin 1992; Worpole and Knox 2007).

اگرچه ساختمان‌های منفرد و معماری در کیفیت شهرها مهم‌اند، این «کل مجموعه ساختمان‌ها و فضاهای شهر، شامل پارک‌ها و غیره است که مقرر می‌کند چگونه شهر را تجربه می‌کنیم. علاوه بر این، با اینکه شهرها از ترکیب فضاهای عمومی و خصوصی تشکیل شده‌اند، آنچه مسئول هویت و معنا در شهر است، فضاهای عمومی است. امروزه درباره فضا زیاد گفته شده است، اما همه آنها متقاعدکننده نیست. با وجود این، تعداد کمی تردید دارند که فضاهای متفاوت متعلق به ماهیت‌های متفاوتی‌اند، یا همان‌طور که فیلسوف اندلسی، ابن‌عربی<sup>۱</sup> می‌گوید: «مکان‌ها متأثر از قلب‌های لطیف‌اند، درست به مانند جایگاه‌های معنوی که به لحاظ مرتبه متفاوت‌اند، و جایگاه‌های فیزیکی نیز به همین ترتیب دارای تفاوت‌اند» (به نقل از: O'Meara, 2007: 1). نوربری-شولتز (۱۳۸۴: ۸۵) هم معتقد است که «شکل‌گیری هر فضای شهری به چیزی بیش از هم‌نشینی صرف و ساده نیاز دارد». بنابراین فضایی که در یک شهر اسلامی به وجود می‌آید با فضایی که در تمدن یونان و روم شکل می‌گیرد متفاوت خواهد بود؛ چرا که ماهیت این تمدن‌ها با هم متفاوت است. تحولات ناشی از مدرنیته و جهانی شدن، ماهیت فضاهای شهری را بیش از پیش دگرگون کرده است. درست است که این دگرگونی‌ها در بعضی جهات ممکن است حالت یکنواختی در کشورهای مختلف داشته باشد، ولی باز هم نمی‌توان از یک الگوی یکسان فضای عمومی برای کشورهای مختلف صحبت کرد. چرا که به گفته هاروی، «جهان هرگز زمین بازی یکدستی نبوده است. جهان همیشه مکان پرنقش‌ونگار تمایزات زیست‌محیطی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی بوده است» (هاروی، ۱۹۸۸: ۷۶؛ به نقل از عظیمی، ۱۳۸۴: ۵۷). بنابراین ماهیت فضای عمومی معاصر نیز، به‌طور مستقیم تحت تأثیر زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی پیچیده‌ای است که در درون آن تولید می‌شود. فضای عمومی یک عرصه سیاسی است و در غایی‌ترین حالت‌ها، عرصه منازعه فعال گروه‌های ظاهراً با چشم‌اندازهای ایدئولوژیک آشتی‌ناپذیر با توجه به هدف و ماهیت فضای عمومی است؛ نوعی مکان دسترسی و تعامل آزاد است که با کنترل تجاری یا نیروهای دولتی محدود نشده باشد؛ یا فضایی است برای اهداف تعریف‌شده ویژه که در معرض هنجارهای رفتاری و کنترل‌انتهایی که اجازه ورود دارند، نیست (Mitchell 1995: 115). اما این خیلی ساده خواهد بود

1. Ibn-al-Arabi

که ماهیت فضای عمومی را تنها به این عوامل کاهش دهیم. در حقیقت فضای عمومی به آن صورتی که امروزه تجربه می‌شود، می‌تواند نتیجه عوامل زیر باشد:

- ❖ روندهای تاریخی و هنجارهایی که به جهان باستان برمی‌گردد؛
- ❖ حالت‌های متنوعی از حکمرانی، مقررات، حکومت قانونی و سرمایه‌گذاری که تحت این حالت‌ها ایجاد شده است؛
- ❖ سنت‌های فرهنگی که متفاوت‌اند، حتی در سرتاسر جهان غرب؛
- ❖ اولویت‌های سیاسی و سبک‌های زندگی ویژه‌ای که آنها حمایت می‌کنند؛
- ❖ تعادل میان نیروهای سیاسی و بازار که پیچیدگی فضای عمومی را افزایش می‌دهد، و محدودیت در مهارت‌های حرفه‌ای و مسئولیت‌ها برای مقابله با آن (Carmona et al, 2008: 60).

پس اگرچه بسیاری از متون به یکنواختی تجربه فضای عمومی، زوال فیزیکی آن، و روندهای خصوصی‌سازی، تجاری‌سازی و محروم‌سازی اشاره کرده‌اند، لزوماً تفاوت صرف انواع فضایی که شهرهای معاصر را تشکیل می‌دهد، یا مدل‌های توسعه بسیار متفاوتی را که اغلب در سراسر جهان تسلط دارند شناسایی نمی‌کنند. با اذعان به این چندگانگی و تفاوت، نخستین هدف این مقاله تلاش برای مفهوم‌سازی فضای عمومی با توجه به ماهیت پیچیده آن و نیز شرایط شهرهای امروزی و ارائه تعریف جدیدی از آن است. چرا که دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به فضای عمومی در رشته‌های مختلف وجود دارد که هیچ‌کدام از آنها توجهی به ماهیت بی‌ثبات فضای عمومی ندارد و در نتیجه تعاریف آن نیز جامع نیست. با توجه به ماهیت پیچیده فضای عمومی، طبقه‌بندی فضای عمومی هم بسیار متنوع و گسترده است. پژوهشگران مختلف تقسیم‌بندی‌های مختلفی از فضای عمومی دارند. بنابراین، هدف دوم مقاله معرفی الگویی معاصر برای گونه‌شناسی فضای عمومی با در نظر داشتن گستردگی مفهوم آن و با توجه به تعریف ارائه‌شده از فضای عمومی است. بدین ترتیب، دغدغه اصلی در این مقاله در مرحله اول نشان دادن ماهیت پیچیده، بی‌ثبات و متناقض فضای عمومی است که منجر به برداشت‌ها و طبقه‌بندی‌های بسیار متفاوت از آن شده است. در مرحله بعد، نویسنده به دنبال ارائه تعریفی جدید از فضای عمومی است که با توجه به ماهیت پیچیده آن بیان شده است. در این تعریف و الگوی نظری، «عمومیت» فضای عمومی نسبی بوده و در شرایط تاریخی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مختلف می‌تواند متفاوت باشد.

مقاله حاضر از نوع مروری است. نوع تحقیق بنیادی - نظری است که با استفاده از خوانش متن، به ارزیابی انتقادی متون مربوط به فضای عمومی پرداخته است. در ادامه با ترکیب نتایج بررسی متون انتشاریافته، به طریق استنتاجی تعریف جدیدی از فضای عمومی و الگویی نظری برای گونه‌شناسی فضای عمومی معاصر ارائه شده است. بدین ترتیب، بدنه اصلی مقاله نیز به تبعیت از مقالات مروری متفاوت از مقالات تجربی بوده و شامل مقدمه، ترکیب نتایج، و استنتاج و نتیجه‌گیری است.

## گونه‌شناسی فضای عمومی

### مفهوم‌سازی فضای عمومی

مفهوم فضای عمومی اصطلاح دشوار و غیرشفافی برای مطالعه است. در ادبیات فضای عمومی از آن با عنوان «اصطلاح بی‌ثبات»<sup>۱</sup> نام می‌برند. دلایل متعددی برای بی‌ثباتی و دشواری مفهوم فضای عمومی وجود دارد. نخست اینکه، در این موضوع در سطح نظری، دیدگاه‌ها و تعاریف چندرشته‌ای متناقض و گیج‌کننده زیادی وجود دارد. دوم اینکه در سطح عملی و واقعی، ساخت مکان‌های عمومی، همچون تولید محیطی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی پیچیده برای گروه‌های اجتماعی است و سوم اینکه در سطح فردی نیز فضای عمومی سازه<sup>۲</sup> شخصی و ذهنی<sup>۳</sup> است. یک فضای عمومی برای شخص ممکن است عمومی باشد، ولی برای شخص دیگری چنین نباشد.

برای سؤال ساده اما کاملاً فریبنده «فضای عمومی چیست؟» مجموعه‌ای از تعاریف نزدیک به هم اما ناقص و بی‌دقت ارائه شده است که پاسخ به این سؤال را بسیار پیچیده می‌کند. همان‌طور که اروم (Orum, 2010: 13) اظهار می‌کند، «رمز و راز و درام فضای عمومی با تعریف‌های زیاد آن شروع می‌شود.» سه دلیل را می‌توان برای سردرگمی زیاد در تعریف فضای عمومی نام برد:

۱. استفاده از اصطلاح‌های بسیار زیاد، گاهی به‌عنوان مترادف، گاهی در ارتباط با یکدیگر؛

مانند: فضای عمومی، مکان عمومی، قلمرو عمومی، عرصه عمومی، حوزه عمومی که بیشتر رایج‌اند؛

۲. کیفیت «اصطلاح جامع»<sup>۴</sup> مفاهیم عمومی، فضا، قلمرو و غیره؛

در صورتی که یک نوع ویژه‌ای از مکان عمومی مانند یک خیابان یا پارک می‌تواند موجب ایجاد تصاویر مشابهی در ذهن افراد متفاوت بشود، اصطلاحاتی مانند فضای عمومی یا قلمرو عمومی معنای بسیار وسیع تری داشته و دارای مفهوم‌سازی متنوعی‌اند. این تا حد زیادی به خاطر ارائه یا گستره وسیعی از معانی است که لغت «فضا» با خود حمل می‌کند و نیز معانی متداخلی<sup>۵</sup> است که از کلمه «عمومی» استنباط می‌شود.

۳. فقدان یک تعریف روشن از این اصطلاح؛

در بسیاری از نوشته‌ها در زمینه موضوع، نویسندگان تعریفی روشن یا تعبیرشان را از اصطلاح بیان نکرده‌اند.

بدین ترتیب، به دلیل فقدان شفاف‌سازی بسیاری از نویسندگان از استعمال موضوع و نیز ظهور رشته‌های جدید که فضای عمومی را مورد توجه پژوهش‌های خود قرار داده‌اند، پیدا کردن تعریفی روشن و جامع از فضای عمومی بسیار سخت می‌نماید. در عوض آنچه مشخص است، دامنه وسیعی از تعاریف و اصطلاحات است که بخشی از آن در جدول ۱ ارائه شده است.

1. Slippery term
2. Construct
3. Subjective
4. Umbrella term
5. Overlapping meanings

جدول ۱. تعاریف و مفاهیم مختلف از فضای عمومی

تعریف	اصطلاح	نویسنده و عنوان اثر
این کتاب بر عبارت «فضای عمومی شهری تأکید دارد که به معنای همه فضاهای فیزیکی و روابط اجتماعی است که استفاده از آن فضا را در درون قلمرو غیرخصوصی شهرها مشخص می‌کند. فضای عمومی شهری شامل میدان‌های رسمی، جاده‌ها، خیابان‌ها و همچنین زمین‌های خالی و حاشیه‌ای و دیگر «فضاهای لبه‌ای» <sup>۱</sup> می‌شود. این شامل همه فضاهایی است که دسترسی همگانی یا حقوق استفاده را می‌پذیرد، خواه در مالکیت عمومی، خصوصی، اشتراکی <sup>۲</sup> و نامشخص باشد. یک منبع دارایی همگانی است، اما مرزهای آن ممکن است در گذر زمان تغییر کند (ص ۱۰).	فضای عمومی شهری	براون (۲۰۰۶): فضای رقابتی، تجارت خیابانی، فضای عمومی و معیشت در شهرهای درحال توسعه
قلمرو عمومی از آن دسته از مناطق و سکونتگاه‌های شهری تشکیل شده است که در آن افراد «در باهم بودن» <sup>۳</sup> تمایل دارند به لحاظ شخصی ناشناخته باشند، یا تنها «به‌طور مطلق» <sup>۴</sup> برای دیگری شناخته شده باشند. به عبارت دیگر، قلمرو عمومی از آن فضاهایی در یک شهر تشکیل شده است که توسط اشخاصی اشغال شده که با یکدیگر غریبه‌اند، یا آنهایی که یکدیگر را فقط در اصطلاح «اشغال‌کننده» <sup>۵</sup> یا دیگر طبقه‌های هویتی غیرشخصی می‌شناسند (ص ۹).	قلمرو عمومی	لافلند (۱۹۹۸): قلمرو عمومی: در جست‌وجوی مرزهای اجتماعی جوهری شهر
اصطلاح فضای عمومی تنوع ارتباطات قانونی میان عموم و فضا را پوشش می‌دهد (ص ۸).	فضای عمومی	
ما فضای عمومی را همچون «زمین مشترک» می‌بینیم که مردم فعالیت‌های آیینی و کارکردی که یک اجتماع را به هم پیوند می‌دهد، در آنجا انجام می‌دهند، خواه در روال عادی زندگی روزانه، یا در فستیوال‌های دوره‌ای باشد (ص xi).	فضای عمومی	کار و همکاران (۱۹۹۲): فضای عمومی
سه ارزش اصلی وجود دارد که توسعه دیدگاه ما را هدایت می‌کند: ما معتقدیم فضای عمومی باید پاسخ‌گو، دموکراتیک و معنادار باشد (ص ۱۹).		
تعریف پیشنهادی من از فضای عمومی دارای سه جزء اساسی مالکیت، دسترسی‌پذیری و چندفاعلی <sup>۷</sup> است. در هر سخن روزانه، فضای عمومی معمولاً به مکانی اشاره دارد که تحت مالکیت دولت است، برای هر کسی بدون محدودیت در دسترس است یا ارتباط و تعامل را ترویج می‌دهد (ص ۱۱).	فضای عمومی	کوهن (۲۰۰۴): واحدهای همسایگی آراسته، خصوصی‌سازی فضای عمومی
فضاهای عمومی مهم‌اند، زیرا مکان‌هایی‌اند که در آن‌ها غریبه‌ها آزادانه در هم آمیخته می‌شوند. آنها همچنین پیوسته مرزها و نشانه‌های جامعه انسانی را هدف گفت‌وگو قرار می‌دهند. همانند سایت <sup>۸</sup> و بینش <sup>۹</sup> ، مکان جلسه و زمین صحنه اجتماعی، فضاهای عمومی ما را برای تصور کردن و نمایش شهری برای ساختن یک ایدئولوژی از قدرت‌پذیرش آن برای غریبه‌ها، تحمل تفاوت‌ها، و فرصت‌هایی برای ورود به زندگی اجتماعی کامل، چه مدنی و چه تجاری توانمند می‌کنند (ص ۸).	فضای عمومی؛	زوکین (۱۹۹۵): فرهنگ شهرها
بسیاری از منتقدان اجتماعی شروع به نوشتن درباره فضاهای عمومی جدید شکل گرفته به‌وسیله «فضای مبادله‌ای» <sup>۱۰</sup> ارتباطات از راه دور و تکنولوژی کامپیوتری کرده‌اند؛ اما علاقه من در این کتاب به فضاهای عمومی است، به عنوان مکان‌هایی که به لحاظ فیزیکی وجود دارند، مراکز نمادین و جغرافیایی، نقاط تجمع، جایی که غریبه‌ها در هم آمیخته می‌شوند (ص ۴۵).	فضای عمومی / مکان عمومی؛	

1. Edge- space
2. Communal
3. In copresence
4. Categorically
5. Occupational
6. Brave New Neighborhoods
7. Intersubjectivity
8. Site
9. Sight
10. Transactional space

## ادامه جدول ۱. تعاریف و مفاهیم مختلف از فضای عمومی

فضاهای عمومی در اصل مکان (سایت) فرهنگ عمومی‌اند؛ آنها پنجره‌ای به روح شهرند. علاوه بر این، از یک نظر، فضاهای عمومی ابزاری برای تنظیم چشم‌انداز زندگی اجتماعی در شهرند، چشم‌اندازی هم برای کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند و هر روز با فضاهای عمومی شهر در تعامل‌اند، و هم برای توریست‌ها، رفت‌وآمدکنندگان و افراد ثروتمندی که برای فرار از آغوش نیازمند شهر، آزادند (ص ۲۵۹).	فضای عمومی / فرهنگ عمومی؛	
فضاهای عمومی برای کسانی که ذوب در هویت ملی‌اند به دقت تحت نظرند. ویژگی‌های مشخص فضاهای عمومی شهری - هم‌جواری، تنوع و دسترسی‌پذیری - نشانه‌های مناسبی برای هویت ملی می‌فرستد که می‌تواند در سال‌هایی که می‌آید چندفرهنگی‌تر و به لحاظ اجتماعی متنوع‌تر باشد (ص ۲۶۲).	فضای عمومی شهری	
فضای عمومی ترس‌ها را ایجاد می‌کند، ترس‌هایی که از حس فضای عمومی به عنوان فضای غیرقابل کنترل ناشی می‌شوند؛ فضایی که در آن تمدن فوق‌العاده شکننده است (ص ۱۳). در جهانی که به‌وسیله مالکیت خصوصی تعریف می‌شود، فضای عمومی (به عنوان فضایی برای نمایش <sup>۱</sup> )، دارای اهمیت استثنایی است. همان عمل نمایش یک گروه (یا تا حدی خود یک شخص) به یک عموم بزرگ‌تر، فضایی برای نمایش ایجاد می‌کند؛ نمایش هم برای تقاضا و هم برای ایجاد فضای عمومی (ص ۳۴).	فضای عمومی	میشل (۲۰۰۳): حق به شهر: عدالت اجتماعی و نزاع برای فضای عمومی
فضای عمومی با دارایی عمومی یکسان نیست. در حقیقت، کیفیت عمومیت <sup>۲</sup> - عمومیت فضا - به نظر می‌رسد از روابط استقرار یافته بین دارایی (هم به‌صورت شیء یا چیز <sup>۳</sup> و هم یک‌سری از روابط و مقررات) و مردمی که ساکن شده، استفاده کرده و دارایی را به‌وجود آورده‌اند تشکیل شده است (ص ۱۱۶). فضای عمومی یک نوعی از فضای بی‌ثبات <sup>۴</sup> ، پیچیده و متغیر <sup>۵</sup> است (ص ۱۱۷).	فضای عمومی / دارایی عمومی	استئلهی و میشل (۲۰۰۸): دارایی عمومی؟ قدرت، سیاست و عموم
مکان‌های عمومی شهری تجلی تلاش‌های بشری است؛ مصنوعات جهان اجتماعی در محدوده این محیط طراحی شده، انطباق یافته، گفت‌وگو کرده و تفسیر می‌شود (ص ۴۷). با وجود این، نکته مهم این است که فضاهای عمومی عرصه‌های مهمی برای گفت‌وگو عمومی و بیان ناخشنودی‌ها به حساب می‌آیند (ص ۲۰۴).	مکان عمومی شهری فضای عمومی	لاو (۲۰۰۰): در پلازا: سیاست‌های فرهنگ و فضای عمومی
اگر چه الگوی استفاده در طول تاریخ متفاوت بوده است، علی‌رغم تفاوت‌ها، فضای عمومی همیشه به عنوان مکان جلسات، بازار و فضای ترافیک عمل کرده است (ص ۱۰).	فضای عمومی	گل و گمزو (۱۹۹۹): فضاهای شهر جدید
دقیقاً وجود مردم دیگر، فعالیت‌ها، حوادث، الهام‌ها و تحریک‌ها، روی هم‌رفته شامل یکی از مهم‌ترین کیفیت‌های فضاهای عمومی می‌شود (ص ۱۵).	فضای عمومی	گل (۱۹۹۶): زندگی میان ساختمان‌ها، بااستفاده از فضای عمومی
قلمرو عمومی از نگاه من، مهم‌ترین بخش شهر و شهرک‌ها است. آنجایی است که بیشترین حجم تماس‌ها و تعاملات انسانی در آن اتفاق می‌افتد. آن همه بخش‌های بافت شهری است که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند. بنابراین، از خیابان‌ها، پارک‌ها و میدان‌ها یک شهر یا شهرک تا ساختمان‌هایی که آنها را محصور کرده‌اند، گسترش می‌یابد (ص ۱).	قلمرو عمومی	تیبالدز (۱۹۹۲): ساخت شهرهای شهروندگرا

1. Representation
2. Publicness
3. Thing
4. Slippery
5. Shifting

## ادامه جدول ۱. تعاریف و مفاهیم مختلف از فضای عمومی

مکان‌های عمومی در درون یک شهر متعلق به مردم آن شهرند، آنها به توسعه‌دهندگان یا سرمایه‌گذاران، پلیس یا ناظران ترافیک متعلق نیستند. ماهیت‌شان می‌تواند به وسیلهٔ مقیاس، شکل و اندازه‌شان؛ راه‌هایی که آنها یکی را به دیگری ربط می‌دهند؛ استفاده و فعالیت‌هایی را که شامل می‌شوند؛ و روش‌هایی که همه نوع ترافیک به کار گرفته می‌شود، تحت تأثیر قرار گیرد (ص ۱۴).	مکان عمومی
من اصطلاح فضای عمومی (و مکان عمومی) را برای اشاره به آن بخش از محیط فیزیکی شهر به کار برده‌ام که همراه با «معنا و کارکردهای عمومی» <sup>۱</sup> است. با این وجود، اصطلاح عرصهٔ عمومی (و قلمرو عمومی)، برای اشاره به مفهوم وسیع‌تر به کار می‌رود: کل محدودهٔ مکان‌ها، مردم و فعالیت‌ها که ابعاد عمومی زندگی اجتماعی انسانی را شکل می‌دهند. فضای عمومی بخش جزئی از عرصهٔ عمومی است (ص ۴).	فضای عمومی / مکان عمومی
با استفاده از معیارهای «دسترسی، نمایندگی و منافع» <sup>۲</sup> ، یک فضا اگر از سوی مقامات دولتی <sup>۳</sup> کنترل شود، به مردم به عنوان یک کل توجه کند، باز یا در دسترس برای آنها باشد، و همهٔ اعضای اجتماع بتوانند از آن استفاده کنند یا به اشتراک عموم گذاشته شود، می‌تواند با عنوان فضای عمومی شناخته شود (ص ۱۱۲).	عرصه عمومی / قلمرو عمومی
با اینکه روش‌های مختلفی برای تعریف فضای عمومی وجود دارد، اغلب موافق‌اند که فضای عمومی شامل همهٔ مناطقی می‌شود که برای اعضای عمومی در یک جامعه (در اصل و نه لزوماً در عمل) باز و در دسترس است (ص ۱).	فضای عمومی
یک فضا به واسطهٔ ماهیت مرزهای آن عمومی می‌شود. این فضایی است که هر کسی ممکن است به آن وارد شود و هر کسی ممکن است بدون رضایت از غریبه‌ها <sup>۴</sup> و بدون هیچ‌گونه اعلامی - حتی ضمنی - از یک هدف توجیهی آن را ترک کند. مرزهایی که فضای عمومی را ایجاد می‌کنند هم نفوذپذیر بوده و هم برای استفادهٔ عمومی ما باز است (ص ۱۵).	فضای عمومی
مکان عمومی معمولاً به عنوان مکان (یا فضایی) تعریف می‌شود که مقامات دولتی آن را ایجاد کرده‌اند و از آن نگهداری می‌کنند، و برای استفاده و بهره‌مندی همهٔ شهروندان در دسترس است. این به ما هیچ چیزی نه دربارهٔ روش‌های مختلفی که ما از آنها استفاده می‌کنیم و بهره‌مند می‌شویم و نه دربارهٔ انواع متفاوت از عموم مردمی که درگیر می‌شوند، نمی‌گوید: وقتی که ما فضاهای عمومی جدید مانند پارکینگ‌ها، مناطق دفع زباله و بزرگراه‌ها را به حساب بیاوریم، آشکار است که آن عمومی‌ای که به خوبی برای عرضه فراهم شده است، نه تنها بسیار دور از مکان‌هایی است که برای بهره‌مندی در نظر گرفته شده، بلکه استفاده‌شان هم دور از آن چیزی است که مد نظر بوده است (ص ۲۷۷).	فضای عمومی
فضای عمومی جایی است که افراد همان‌طور که درگیر موضوعات عمومی‌اند، می‌بینند و توسط دیگران دیده می‌شوند. بنابراین، این مکان، فضای جلسات سالن شهری، مجلس قانون‌گذاری، یا هر مکان دیگری که کسب‌وکارهای عمومی در آن انجام می‌گیرد، است (ص ۳۱).	فضای عمومی
من یک تعریف کلی (اگرچه خاص) از فضای عمومی پیشنهاد می‌کنم که نزدیک به این جهت‌گیری‌های مختلف بوده و فراتر از هر کدام از آنها است. تعریف من یک پیوستار فضایی - زمانی برای گفتمان سیاسی است. با این عبارت، منظور من ظرفیت‌سازی برای یک فرایند انسانی متقابل و مرتبط برای تجربهٔ ارتباطی و گفتمان سیاسی است که به ماهیت و آیندهٔ اجتماع و منافع عمومی توجه می‌کند (ص ۳۷۰).	فضای عمومی

1. Public meanings and functions
2. Access, agency and interest
3. Public authorities
4. Without the consent of strangers

## ادامه جدول ۱. تعاریف و مفاهیم مختلف از فضای عمومی

کارمونا (۲۰۰۸): فضای عمومی: ابعاد مدیریت	فضای عمومی	<p>فضای عمومی (تعریف وسیع و گسترده) مرتبط با همه بخش‌های محیط ساخته‌شده و طبیعی، عمومی و خصوصی، داخلی و خارجی، شهری و روستایی است. جایی که عموم آزادند؛ اگرچه لزوماً دسترسی به آنها بدون محدودیت نیست. این فضاها شامل همه خیابان‌ها، میدان‌ها و دیگر حقوق گذر<sup>۱</sup>، خواه دارای استفاده غالب مسکونی، تجاری یا اجتماعی / مدنی؛ فضای باز و پارک‌ها؛ فضاهای باز حومه شهری، هم فضاهای عمومی / خصوصی داخلی و هم خارجی، جایی که دسترسی عمومی تشویق می‌شود - اگرچه کنترل می‌شود- مانند مراکز خرید خصوصی یا ایستگاه‌های اتوبوس و راه‌آهن؛ و فضای داخلی ساختمان‌های مدنی و عمومی کلیدی مانند کتابخانه‌ها، کلیساها یا سالن‌های شهری می‌شود (ص ۴).</p> <p>فضای عمومی (تعریف محدودشده)، مرتبط با آن بخش از محیط طبیعی و ساخته‌شده شهری است که دسترسی عموم به آن آزاد است. چنین فضایی شامل همه خیابان‌ها، میدان‌ها و دیگر حقوق گذر، خواه دارای استفاده غالب مسکونی، تجاری یا اجتماعی / مدنی باشد، و نیز فضاهای باز و پارک‌ها و فضاهای عمومی / خصوصی که دسترسی عموم به آنها بدون محدودیت است (حداقل در طول ساعات روزانه). این شامل ارتباط با فضاهای کلیدی خصوصی و داخلی و خارجی می‌شود که دسترسی عموم به آنها معمولاً آزاد است (ص ۴).</p>
--	------------	---

پس همان‌طور که بحث شد و جدول ۱ هم نشان می‌دهد، نویسندگان مختلف در هنگام توضیح بخش عمومی محیط انسانی از مفاهیم متفاوتی مانند فضای عمومی شهری (Brown, 2006)، فضای عمومی (Carr et al. 1992; Madanipour, 2003; Gehl and Gemzoe, 1996; Mitchell, 2003)، مکان سوم (Oldenburg, 1992)، قلمرو عمومی (Lofland, 1998; Madanipour, 2003)، مکان عمومی (Relph, 1976) و عرصه عمومی (Habermas, 1989) استفاده می‌کنند. در بعضی مواقع بعضی از نویسندگان از اصطلاحات گوناگونی استفاده می‌کنند. در بعضی حالت‌ها هم نویسندگان این اصطلاحات را در کنار هم و در ارتباط با هم به شیوه‌ای کاملاً مبهم به کار می‌برند.

## فضا- مکان، عمومی- مردم

همان‌طور که گفته شد، یکی از مشکلات اساسی در تعریف فضای عمومی، ابهام در تعاریف اصطلاحاتی مانند فضا، مکان، عمومی و مردم است. دشواری تعریف اصطلاحاتی که به‌طور معمول در مکالمات روزانه و با دامنه متغیری از معانی مانند مکان یا فضا استفاده می‌شوند، در فقدان یک توضیح علمی و دقیق از خود این اصطلاحات نهفته است که به فرسایش معنای اولیه‌شان طی قرن‌ها استفاده متفاوت و اقتباس از دیگر زمینه‌های معنایی منجر می‌شود (Altman and Zube, 1989; Friedmann, 2007).

در اغلب اوقات، فضا به لحاظ علمی و فلسفی بیشتر از مکان مفهوم‌سازی شده است. تعریف فضا از سوی فیزیک‌دانان و با اسحاق نیوتن شروع شد که آن را «موجودیت متمایزی»<sup>۲</sup> از زمان تعریف می‌کند که دارای سه بعد بوده و همه چیزها و فعالیت‌هایی را که در جهان اتفاق می‌افتد، در بر گرفته است. این در بسیاری از زمان‌ها با «فضای

1. Other rights of way  
2. Distinct entity



بیرونی<sup>۱</sup> همراه است؛ وجود ماده ای که جهان از آن ساخته شده و تنها راه برای ذهن بشری که بی‌نهایتی آسمان بالا را ذکر کرده و درک کند. در مقابل این دیدگاه تجربه‌گراها قرار دارند که جهان را بیرون از آگاهی قرار می‌دهند. امانوئل کانت با این ادعا که ذهن، خود دارای سیستم ساختارسازی جهان در زمان و فضایی است که «مقوله‌هایی پیشینی»<sup>۲</sup> اند، نقطه عطفی در تاریخ تفکر ایجاد کرد. این دیدگاه یکی از بنیان‌های اساسی برای روش تفکر مدرن درباره فضا به‌عنوان یک «موجودیت ذهنی (سوژه)»<sup>۳</sup> است. درک از فضا دوباره با تئوری اینشتین تغییر یافت؛ تئوری ای که در آن فضا و زمان در یک «پیوستار چهاربعدی»<sup>۴</sup> ترکیب می‌شوند که فضا-زمان نامیده می‌شود. نسبیت<sup>۵</sup> راه مشترک مفهوم جهان را با دفاع از پارادایمی که هیچ چیزی «ثابت، قطعی و مطلق»<sup>۶</sup> نیست تغییر داده است. توجه نسبتاً جدیدتر و روبه‌رشد به فضا در بیانیه معروف فوکو شرح داده شده است: «همان‌طور که ما می‌دانیم وسواس بزرگ قرن نوزده، تاریخ بود. عصر حاضر بیش از همه، عصر فضا خواهد بود (Foucault, 1986: 22). او ادامه می‌دهد: «در هر صورت من معتقدم اضطراب<sup>۷</sup> عصر ما به‌طور اساسی با فضا و بدون شک بسیار بیشتر از زمان خواهد بود. احتمالاً زمان در نظر ما به‌عنوان یکی از عملیات توزیعی متفاوت<sup>۸</sup> ظاهر می‌شود که برای عناصری که در فضا پخش شده‌اند ممکن است» (Foucault, 1986: 23).

پس از دهه ۱۹۷۰، تغییر دیگری در پارادایم اتفاق افتاد و آن زمانی بود که فضا دوباره به‌وسیله رشته جغرافیا کشف شد؛ این کشف، زمان را چیزی تعریف می‌کرد که دیگر ثابت<sup>۹</sup> نیست، بلکه پویا<sup>۱۰</sup> است و از ارتباطات متقابل بین شبکه‌ها و جریان‌های متفاوت ساخته شده است (Tuan, 1977; Buttimer and Seamon, 1980). «اگر فضا حقیقتاً تولید روابط متقابل باشد، پس باید مبتنی بر وجود کثرت باشد. فضا همیشه در فرایند ساخته شدن است، هرگز تمام نمی‌شود و هرگز بسته نمی‌شود. شاید ما بتوانیم فضا را به‌عنوان هم‌زمانی داستان‌های تاکنون<sup>۱۱</sup> تصور کنیم» (Massey, 2005: 9). اگر فضا طنین بیشتری در بحث‌های علمی و فلسفی دارد، مکان بیشتر پژوهش‌های شخصی و سیاسی است. مکان‌ها با زندگی در آنها شکل داده می‌شوند. آنها فضاهای برخورد محسوب می‌شوند؛ جایی که تاریخ تعداد کمی از شهرها کامل شده است. مکان‌ها همچنین سایت‌های مقاومت، اعتراض و اقداماتی‌اند که اغلب توسط دولت‌ها (محلی) غیرقانونی تلقی می‌شوند (Friedmann, 2007: 257).

نگرانی عمده جغرافیا از شروع این رشته، مفهوم «مکان» بوده است که بر اساس علم توصیف زمین (برگرفته از زبان یونانی ge به معنای زمین و graphain) بنیان‌گذاری شده است. در ابتدا جغرافی‌دانان به دنبال کشف و توصیف «فضای آن بیرون»<sup>۱۲</sup>، در صدد نقشه‌برداری جهان از طریق چشم‌های بشری بودند. در این رویکرد، کلمه مکان در یک حس

1. Outer-space
2. priori categories
3. Subjective entity
4. Four-dimensional continuum
5. Relativism
6. Fixed, definite and absolute
7. Anxiety
8. Various distributive operations
9. Static
10. Dynamic
11. Simultaneity of stories-so-far
12. Space out there

زبانی مشترک، به معنای منطقه‌ای از جهان که از طریق استدلال بشری درک می‌شود، بوده است. آن یک مکان روی نقشه بود؛ مکانی که هر کسی از آنجا می‌آید یا به آنجا می‌رود، در تقابل اندکی با فضا به‌عنوان یک مفهوم انتزاعی، مکان دارای معنای کاربردی بیشتری - از موقعیت<sup>۱</sup> - است. بنابراین اگر فضا به‌طور معمول به‌عنوان چیزی باز و نامشخص پذیرفته شده است، درک ذهنی از «مکان من» رشد بیشتری داشته است و آن یک بخش محصور، شناخته‌شده و قابل کنترل جهان است.

«فضا مفهوم انتزاعی‌تری نسبت به مکان دارد. وقتی ما از فضا صحبت می‌کنیم، بیشتر تمایل به تصور فضای بیرونی یا فضای هندسی داریم. فضاها دارای مناطق و حجم‌اند. مکان‌ها فضایی میان آنها دارند» (Creswell, 2004: 8). دو مفهوم فضا و مکان نه فقط از جنبه هستی‌شناختی می‌توانند دیده شوند - به عنوان آن بیرون یا اطراف اینجا - بلکه از دیدگاه معرفت‌شناختی به عنوان یک راه شناخت جهان هم می‌توانند مورد نظر باشند. به این ترتیب، جهان در نظر ما مانند شبکه‌ای از ارتباطات داخلی «مسیرها در عوض ریشه‌ها»<sup>۲</sup> (Creswell, 2004) ظاهر می‌شود و بنابراین کسی به مرزها و ویژگی‌های متفاوت مناطق جهان، با وجود روابط متقابل و جریان‌های انرژی، ماده و اطلاعات فکر نمی‌کند. بدین ترتیب و پس از مفهوم‌سازی تفاوت میان فضا و مکان، اصطلاح فضای عمومی به سطح انتزاعی مفهوم برمی‌گردد و اصطلاح مکان عمومی به بازنمایی واقعی این مفهوم در محیط ساخته‌شده برمی‌گردد. این بحث بر اساس دلایل زیر است:

۱. فضا شامل یک دیدگاه جهانی‌تر است؛ در حالی که مکان به موقعیت‌های خاص‌تر<sup>۳</sup> برمی‌گردد.
  ۲. طنین‌اندازی فضا بیشتر با مفهوم‌سازی‌های انتزاعی‌تر<sup>۴</sup> است، در صورتی که مکان اغلب دلالت بر تعامل جهان بشری و جایگاه فیزیکی دارد.
  ۳. فضا شامل پویایی و تحرک می‌شود، مکان به نظر ایستاتر و ثابت می‌رسد.
  ۴. مکان مرتبط با مرزهاست و دلالت بر مختصات جغرافیایی دارد که به دنبال سؤال «کجا؟» است. در صورتی که فضا ارتباط بیشتری با معنا و ماهیت<sup>۵</sup> دارد که سؤال «چه؟» را به کار می‌گیرد.
- کریسول (2004) معتقد است که یک مکان فضایی است که معنا را به‌وجود می‌آورد. رلف (۱۹۷۶: ۸) معتقد است که «به‌طور کلی به نظر می‌رسد فضا زمینه‌ای را برای مکان‌ها به‌وجود می‌آورد، اما معنای آن از مکان‌های ویژه مشتق می‌شود. تفاوت میان مکان و فضا تنها یک روش ابزاری برای نظم دادن به چیزهاست، معانی مکان و فضا باز و نامتناهی‌اند؛ از شخصی به شخص دیگر، از زمینه‌ای به زمینه دیگر و از موقعیتی به موقعیت دیگر متفاوت‌اند». دورن ماسی (Massey, 2005: 6) سؤال می‌کند: «اگر ما تمایز میان مکان (به‌عنوان دارای معنا، تجربه‌شده و روزانه) و فضا (چه؟ بیرونی؟ انتزاعی؟ بی‌معنا؟)، همه آن چیزی که بسیار جذاب به نظر می‌رسد را رد کنیم، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ می‌تواند به‌عنوان اقدامی تحریکی در نظر گرفته شود که هیچ‌کدام از معانی به‌طور کامل کشف نمی‌شوند و آنها دائماً تغییر می‌کنند.

---

1. Location  
 2. Routes instead of roots  
 3. Particular locations  
 4. Abstract conceptualizations  
 5. Essence

با توجه به عبارت «عمومی»<sup>۱</sup>، این معنا مستقیماً به مردم مربوط می‌شود. مدنی‌پور (۲۰۰۳: ۱۰۹) با بررسی تعاریف لغت‌نامه آکسفورد، از این اصطلاح استفاده کرده و نتیجه می‌گیرد: «معانی کلمه عمومی، همه به شمار زیادی از مردم، به‌عنوان «جامعه»<sup>۲</sup> یا «دولت»<sup>۳</sup> و آنچه مربوط به آنهاست برمی‌گردد. به‌عنوان جامعه، این اصطلاح ممکن است به مقیاس‌های سرزمینی<sup>۴</sup> یا جمعیت‌شناختی مختلف شامل یک گروه، اجتماع محلی، ملت، یا در چارچوبی که امروز دیگر به‌ندرت مورد استفاده است، یعنی کل نژاد بشری برگردد. به‌عنوان دولت، ممکن است به مقیاس نهادهای مختلف دولت ملی، دولت محلی، و حتی افرادی که بخشی از سیستم دولتی به حساب می‌آیند برگردد». مشکلات درک مفهوم عمومی ناشی از پیچیدگی ماهیت دو جوهر<sup>۵</sup>، جامعه و دولت است، که ساختار و معانی آنها در سال‌های اخیر به‌طور چشمگیری تغییر کرده است. از دیدگاه مدنی‌پور، ابهام در تعریف اصطلاح عمومی از یک طرف به دلیل درک دوگانه از جامعه به‌عنوان هم قلمرو عمومی و هم خصوصی و از طرف دیگر نامشخص بودن مرز میان دولت و جامعه به‌عنوان منبع مهم دیگری برای عدم قطعیت در این موضوع است.

جغرافی‌دان آمریکایی جی. بی. جکسن (۱۹۸۴: ۲۷۸)، معتقد است واژه عمومی هم به مردم برمی‌گردد و هم به مسئولان. شاید بتوان گفت که «واژه عمومی در جایگاه اسم دلالت دارد بر جمعیت یا مردم، در صورتی که در جایگاه صفت به مسئولان برمی‌گردد. بنابراین یک ساختمان عمومی در قرن هجدهم مکانی در دسترس برای همه، و برای استفاده و بهره‌مندی آنها نبوده است، بلکه مکان کار یا جلسه مسئولان بوده است». به اعتقاد او علت اصلی ابهام در فهم مفهوم فضای عمومی پیچیدگی واژه مردم<sup>۶</sup> است که معنای ضمنی آن به‌صورت زیر است: «عمومی کلمه‌ای بدون رمز و راز و از ریشه لاتین پوپولوس<sup>۷</sup> است و معانی آن متعلق به مردم یا ویژگی‌های مردم است. فضای عمومی مکان مردم است. اما مردم به‌عنوان واژه کمتر واضح و آشکار است. این واژه برای ما فقط به معنای بشریت<sup>۸</sup> یا یک نمونه تصادفی از بشریت است؛ اما وقتی به قرن نوزدهم برمی‌گردیم، به معنای یک گروه خاص، و گاهی به معنای جمعیت یک ملت یا شهر و بعضی وقت‌ها پایین‌ترین عنصر در آن جمعیت است، اما همیشه شامل یک طبقه قابل شناسایی می‌شود» (Ibid: 279). یکی از مسائل اخیر ظهور پست‌مدرنیسم و فمینیسم است که درک سفت و سختی از «عمومی» به‌عنوان ساختار یکپارچه دارند و آن را با آنچه نانسی فراسر<sup>۹</sup> (1990) «عمومی‌های چندگانه»<sup>۱۰</sup> می‌نامد جایگزین کرده‌اند. جنبش‌های مختلف اجتماعی نشان داده‌اند که نابرابری‌های شدید وجود داشته و هنوز هم وجود دارد و به‌تدریج زنان، اقلیت‌های قومی و جنسی و دیگر گروه‌ها به دنبال اثبات حق خود به‌عنوان بخشی «از عموم»<sup>۱۱</sup> اند.

«عمومی»‌های زیادی وجود دارد و مشروعیت‌شان به همان اندازه که ممکن است به‌وسیله زمینه مکان تعریف شود،

1. Public
2. Society
3. State
4. Territorial scales
5. Entities
6. People
7. Populus
8. Humanity
9. Nancy Fraser
10. Multiple publics
11. The public

به واسطهٔ ویژگی اجتماعی این افراد نیز تعریف می‌شود (Atkinson, 2003: 1830). در مفهوم‌سازی فضای عمومی، درک اصطلاح عمومی در نگاه اول به همهٔ مکان‌های واقعی برمی‌گردد که ممکن است آزادانه توسط هر کس مورد استفاده باشد. اصطلاح عمومی دلالت ضمنی دارد بر این عقیده که این جایگاه‌ها برای هر کسی -مردم یک اجتماع، ایالت، ملت، فارغ از سن، جنس، نژاد، معلولیت جسمی، یا دیگر ویژگی‌ها- در دسترس‌اند. ماهیت مهمی که در متون به‌عنوان اساس و پایه برای معنای فضای عمومی پدیدار شده، این است که مهم نیست که ما معنای عمومی را چگونه انتخاب می‌کنیم، باید با ویژگی «حس انسجام (پیوستگی)»<sup>۱</sup> که از به اشتراک‌گذاری «زمینهٔ مشترک»<sup>۲</sup> یکسان پدیدار می‌شود، مشخص شود.

بودن در عمومی، هم بر قرار دادن خود در ارتباط با دیگران -جهان غریبه‌ها- و هم بر درگیر شدن در یک فعالیت همگانی -جهان همسایه‌ها- دلالت دارد. این دوگانگی توسط راجر اسکروتن نظریه‌پرداز شده است: «عمومی عرصهٔ وسیع و تا درجهٔ زیادی برنامه‌ریزی نشدهٔ برخوردار است. هیچ فردی در این عرصه دارای اقتدار نیست و هر کسی در ورود به آن از حق خود برای تحمیل شرایطی که در باب آن گفت‌وگو و با دیگران مبارزه می‌کند، چشم می‌پوشد. اگر شخصی دارای امتیاز در عرصهٔ عمومی باشد، آن یا در مقابله با دیگران، یا در موافقت با آنها است. هدف از حکومت مدنی<sup>۳</sup> اطمینان از این است که توافق قانونی (هنجاری)<sup>۴</sup> است» (Scruton, 1984: 14). از یک دیدگاه فلسفی، نظریه‌پرداز آمریکایی -آلمانی، هانا آرنهت معتقد است که اصطلاح عمومی برای ارتباط میان خود افراد و واقعیت بسیار مهم است؛ یعنی با تجربهٔ جهان در عمومی، با هم و با دیگران، یکی می‌تواند بخشی از جهان نمایش باشد. «اصطلاح عمومی به دو پدیدهٔ کاملاً همانند مرتبط به هم اما نه با هم دلالت دارد؛ نخست آن معنا را می‌دهد که هر چیز که در عمومی ظاهر می‌شود (نمایش داده می‌شود) می‌تواند به وسیلهٔ هر کسی دیده و شنیده شود و امکان گسترده‌ای برای انتشار آن وجود دارد. برای ما نمایش (ظاهرشده) -چیزی که به وسیلهٔ دیگران به علاوه خودمان دیده و شنیده می‌شود- ترکیب واقعیت‌هاست (Arendt, 1958: 5).

### فضای عمومی: رویکردی چندرشته‌ای (و میان‌رشته‌ای)

بحث‌ها در زمینهٔ «سیاست‌های فضا»<sup>۵</sup> (برای نمونه تنش میان نظارت و حقوق دسترسی به فضای عمومی) مورد توجه دانشگاه‌ها و عموم قرار گرفته است. با این وجود، فضای عمومی در رشته‌های طراحی و برنامه‌ریزی شهری، اگر چه عرصهٔ بلامناسی نیست، ولی در عین حال عرصهٔ غیرجدلی هم نیست. در کنار آن باید به ظهور سؤال‌های مهمی در زمینهٔ عدالت اجتماعی اشاره کرد؛ مانند چه کسانی فضای عمومی را ساخته‌اند و کنترل می‌کنند؟ چه کسانی از توسعهٔ فضای عمومی جدید در زمینهٔ بازسازی شهری بهره می‌برند؟ حتی صداهای بدبینانه‌ای هم وجود دارد که از فروپاشی

---

1. Sense of cohesion  
2. Common ground  
3. Civil government  
4. Is the norm  
5. Politics of space

جامعه و «زوال مرد عمومی»<sup>۱</sup> و در نتیجه تغییر نگرش‌های مردم بحث می‌کنند (Sennett, 1977). عموم «مشارکت‌کنندگان فعال»<sup>۲</sup> در زندگی شهری تبدیل به «تماشاگران خنثی»<sup>۳</sup> برای نمایش نیروهای نئولیبرال و بازارمحور شده‌اند (Foucault, 1986). عموم «به‌وسیله کاپوچینو به آرامش رسیده‌اند»<sup>۴</sup> و توانایی خود در مبارزه در جهت عدالت اجتماعی برای همه را از دست داده‌اند (Zukin, 2000; Atkinson, 2003).



شکل ۱. رویکردهای مختلف به فضای عمومی در رشته‌های مختلف

به دنبال بازتاب این نگرانی‌ها، روندهای متمایزی در سیاست‌های فضای عمومی در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه می‌توان به تمرکز بر ساخت مکان‌هایی برای مردم (Urban Task Force, 1999)، کالایی شدن فضا<sup>۵</sup> (Goss, 1993)، شهرنشینی کاپوچینو<sup>۶</sup> (Zukin, 2000)، تمرکز بر مصرف‌گرایی فراوان<sup>۷</sup> (Zukin, 2000; Sorkin, 1992)، خصوصی‌سازی فضای عمومی<sup>۸</sup> (Nemeth, 2009; Schmidt, et al., 2011; Low and Smith, 2006)، نظامی‌سازی و امنیتی کردن فضا<sup>۹</sup> از طریق دوربین‌های مداربسته (Nemeth, 2010) و دیگر اقدامات امنیتی، محرومیت از فضای عمومی<sup>۱۰</sup> (Sibley, 1995)، ظهور جوامع دروازه‌دار<sup>۱۱</sup> (Low and Smith, 2006)، دیزنی‌سازی فضاهای عمومی<sup>۱۲</sup> (Zukin, 2000; Sorkin, 1992; Sircus, 2001) و غیره اشاره کرد.

1. The fall of public man
2. Active participants
3. Passive spectators
4. Pacified by cappuccino
5. Commodification of space
6. Cappuccino urbanism
7. Affluent consumerism
8. Privatisation of public space
9. The militarising and securitising of space
10. Exclusion from public space
11. Emergence of gated communities
12. The Disneyfication of public spaces

همچنین فضای عمومی موضوع در حال رشد دامنه متنوعی از علوم اجتماعی و رشته‌های علوم انسانی است. هر رشته‌ای فضای عمومی را از طریق لنزهای متفاوت و با علایق خاص و نگرانی‌های پیش رو می‌بیند. دانشمندان سیاسی برای نمونه بر دموکراسی و حقوق در فضای عمومی تمرکز دارند؛ جغرافی‌دانان بر حس مکانی و نامکانی، حقوق‌دانان بر مالکیت و دسترسی در مکان‌های عمومی، جامعه‌شناسان بر تعاملات انسانی و محرومیت اجتماعی تأکید دارند و غیره (شکل ۱). نتیجه اینکه برای فهم فضای عمومی باید از مجموعه متنوعی از رویکردهای چندرشته‌ای (میان‌رشته‌ای) استفاده کرد. بدین ترتیب، گونه‌شناسی فضای عمومی نیز دارای تنوع زیادی بوده و تقسیم‌بندی انواع فضای عمومی در رشته‌ها و علوم مختلف با توجه به علایق، نگرانی‌ها و تمرکزها در این رشته‌ها متفاوت خواهد بود؛ چرا که اصولاً مفهوم‌سازی فضای عمومی، همان‌طور که در ادامه بررسی خواهد شد، بسیار پیچیده و ابهام‌برانگیز است.

### گونه‌شناسی فضای عمومی معاصر

#### از منظر جامعه‌شناختی

از یک جنبه جامعه‌شناختی، والین (Wallin, 1998: 109)، فضای عمومی شهری معاصر را به‌عنوان «فضای دایستمیک»<sup>۱</sup> تعریف می‌کند؛ یعنی فضای روابط غیرشخصی و انتزاعی، آنتی‌تزی جدلی نسبت به «فضای پروکسمیک»<sup>۲</sup> هال (Hall, 1966) که به‌وسیله فرهنگ کنترل می‌شود. در عوض، «دایستمیک» اجتماع غریبه‌هایی است که در فضای عمومی مسکن گزیده‌اند. این جهان مراکز خرید، تلویزیون، یا وب‌های جهانی است: فرهنگ جهان سرمایه‌داری، جایی که جامعه پیوسته در حالت انفعالی، دیدزانه<sup>۳</sup> و مصرف‌گرایی<sup>۴</sup> ذهن و احساس قرار دارد. فضاهای پروکسمیک تجلی فرهنگ قبیله‌ای و محلی‌اند، در صورتی که فضاهای دایستمیک برای روابط غیرشخصی و انتزاعی‌تری استفاده می‌شوند که اعضای گروه‌های اجتماعی مختلف را برای رفتار دوستانه با همدیگر توانا می‌کند (Light & Smith, 1998: 9).

به‌عنوان سفر از چشم‌انداز به واقعیت، لفور (Lefebvre, 1991: 39) میان «فضای بازنمایی»<sup>۵</sup> (فضای درخور و زندگی‌شده، یا فضای در استفاده) و «بازنمایی فضا»<sup>۶</sup> (برنامه‌ریزی‌شده، کنترل شده و دستوری) تمایز قایل می‌شود. در این معنا فضا به‌عنوان یک وقایع‌نگار دیده می‌شود که در طول زمان توسعه یافته و تغییر می‌کند. بنابراین فضا به‌طور معمول به‌عنوان بازنمایی نوع ویژه‌ای از فضا با دامنه ویژه‌ای از استفاده‌ها شروع می‌شود، اما در طول زمان با استفاده‌ها و فعالیت‌های دیگر درخور می‌گردد (شکل ۲).

1. Dystemic space

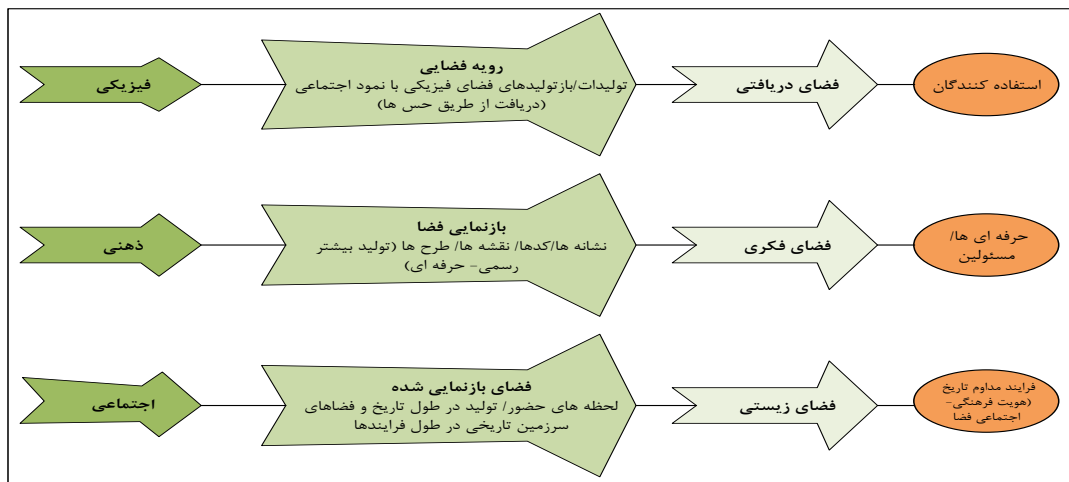
2. Proxemic spaces: مطالعه جنبه‌های جامعه‌شناختی، رفتاری و فرهنگی فاصله‌های فضایی میان افراد

3. Voyeuristic

4. Consumeristic

5. Representational space

6. Representations of space



شکل ۲. تثلیث تولید فضای لفور در ارتباط با بازیگران در فضا

مأخذ: نگارنده

## فضای عمومی و روابط قدرت

گیولیک (Gulick, 1998: 135–41) با تمرکز بر تجربه فضا، سه نوع فضای عمومی تعریف می‌کند که معتقد است بسیاری از منتقدان آنها را با هم اشتباه گرفته‌اند:

- ❖ **اموال عمومی:** تعریف سنتی که حکومت یا دولت به‌طور رسمی مالکیت فضا را در دست دارند؛
- ❖ **نشانه‌شناختی:** هویت‌های فضایی ساختگی که رقابت برای فضای عمومی و تفکیک و جداسازی در فضای عمومی را تشویق می‌کند؛
- ❖ **عرصه عمومی:** فضای اجتماع، که شهروندان می‌توانند به لحاظ اجتماعی یا سیاسی با هم تعامل داشته باشند. کیلیان با توجه به «روابط قدرت»<sup>۳</sup>، معتقد است که تمام فضاها، چه عمومی و چه خصوصی، تجلی ارتباطات قدرت‌اند (Kilian, 1998: 115–16). او دو نوع فضای عمومی شهری تعریف می‌کند: فضای عمومی به‌عنوان «مکان تماس»<sup>۴</sup>، و فضای عمومی به‌عنوان «مکان نمایش»<sup>۵</sup> (به ترتیب، عرصه عمومی و فضای عمومی نشانه‌شناختی گیولیک). وی معتقد است منتقدان هر دو نوع فضا، درگیر هر دو فضای عمومی و خصوصی‌اند. در حقیقت او پیشنهاد می‌کند که تمام فضاها هم عمومی محسوب می‌شوند و هم خصوصی و شامل محدودیت‌هایی خواه از نظر دسترسی یا فعال بودن و صریح<sup>۶</sup> یا ضمنی<sup>۷</sup> بودن می‌شوند.

وان ملیک و همکاران (Van Melik et al., 2007: 25–8)، با استفاده از واژه «کنترل» معتقدند که طراحی و

1. Public property
2. Semiotic
3. Power relationships
4. Sites of contact
5. Sites of representation
6. Explicit
7. Implicit

مدیریت فضای عمومی در سال‌های اخیر واکنش به دو روند بوده است؛ در یک طرف افزایش اضطراب درباره جرم و جنایت منجر به دوری مردم از حوزه عمومی شهر و عقب‌نشینی به عرصه خصوصی شده است. با این حال، جذابیت سرگرمی شهر نیز رشد یافته است، که مردم را وادار می‌کند مخالف تجربیات جدید و فانتزی بیرون از خانه نباشند. این نشان‌دهنده تمایل دوطرفه برای کنترل بیشتر است، اما دو نوع متمایزی از فضای عمومی را تولید می‌کند:

- ❖ فضای عمومی امن<sup>۱</sup>: که با ویژگی‌های انجام اقداماتی برای ایجاد حس امنیت، از طریق دوربین مدار بسته، فعالیت‌های اجرایی و حذف گروه‌های ناخواسته (نامطلوب) مشخص می‌شود.
- ❖ فضای عمومی موضوعی<sup>۲</sup>: هدف این فضا ایجاد محیط و تحریک فعالیت برای جذب بیشتر مردم به فضای عمومی و بنابراین «خود نظارتی»<sup>۳</sup> است.

### طبقه‌بندی فضای عمومی از منظر فراگیری یا محروم‌سازی

فرانک و استیونز (Franck and Stevens, 2007: 23) با استفاده از اصطلاح «سازگاری در استفاده»<sup>۴</sup>، استدلال می‌کنند که «نرمی»<sup>۵</sup> و «سفتی»<sup>۶</sup> فضا وابسته به شرایطی است که از پیوند ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی فضا پدیدار می‌شود. بنابراین فضای نرم انطباق‌پذیر و بدون محدودیت است و برای کارکردهای مختلفی استفاده می‌شود، به علاوه، بدون فکر قبلی برنامه‌ریزی می‌شود. فضای سخت در مقابل ثابت است، به لحاظ فیزیکی دارای محدودیت بوده یا در اصطلاح انواع فعالیت‌هایی که آنجا می‌تواند اتفاق بیفتد، کنترل شده است. برای آنها، اگر چه این ویژگی‌ها با وجود زنجیره طولانی از سفت تا نرم، قابل تعدیل و نسبی‌اند، انواع جدیدی از فضاهایی که پدیدار می‌شوند، اغلب در ماهیت محدودکننده‌تر از آنهایی‌اند که در گذشته وجود داشته‌اند و فعالانه انواع فعالیت‌های غیربرنامه‌ریزی شده را که منجر به نرمی می‌شود، تضعیف می‌کنند.

فلاستی (Flusty, 1997: 48-49)، از طریق استراتژی‌های محروم‌سازی<sup>۷</sup>، میان ۵ نوع از فضا، که هر کدام برای درجات متفاوتی از دفع (محروم) کردن طراحی شده‌اند، تفاوت قایل می‌شود:

- ❖ فضای پنهانی<sup>۸</sup>: که با «تغییرات هم‌تراز»<sup>۹</sup> یا «ابزار مداخله»<sup>۱۰</sup>، پوشانده یا نامفهوم شده و بنابراین نمی‌تواند تغییر یابد؛
- ❖ فضای دشوار<sup>۱۱</sup>: که به خاطر کنترل شدن، وسایل طولانی و ممتد دسترسی یا مسیرهای ناپیدا، برای دسترسی مشکل است؛

1. Secured public space
2. Themed public space
3. Self-policing
4. Adaptability in use
5. Looseness
6. Tightness
7. Exclusionary
8. Stealthy space
9. Level changes
10. Intervening objects
11. Slippery space



- ❖ فضای خشن (سخت)<sup>۱</sup>: که دسترسی به آن به دلایل موانعی مانند دیوارها، دروازه‌ها و پست‌های بازرسی انکار می‌شود؛
  - ❖ فضای خاردار (زبر)<sup>۲</sup>: که برای اشغال مشکل و نامساعد است، برای نمونه، صندلی‌هایی که طراحی شده‌اند نامساعد است و درنگ کردن را تضعیف می‌کند، یا لبه‌های آن شیب‌دار است و نمی‌توان روی آن نشست؛
  - ❖ فضای عصبی<sup>۳</sup>: که فعالانه و «نظارت‌شده»<sup>۴</sup> است و بدون «مشاهده»<sup>۵</sup> نمی‌تواند استفاده شود.
- با اشاره به میزان «فراگیری»<sup>۶</sup>، مالونه (Malone, 2002: 158)، با تعدیل دیدگاه سیبلی (Sibley, 1995) از فضاهای باز و بسته، فضاها را با توجه به میزان پذیرش تفاوت و تنوع تعریف کرده است (جدول ۲). مرزهای فضاهای باز تعریف ضعیفی دارند و با ویژگی‌های ترکیب و تنوع اجتماعی (مانند کارناوال‌ها، فستیوال‌ها، پارک‌های عمومی) مشخص می‌شوند، در حالی که در فضاهای بسته مرزها قویاً تعریف شده‌اند و در عمل اشیاء، مردم و فعالیت‌هایی که دارای مطابقت نیستند، حذف می‌شوند (برای نمونه، کلیساها، بعضی مراکز خرید، مدارس). دومی همچنین به شدت درگیر نگهداری و تعریف مرزها است.

جدول ۲. ویژگی‌های فضاهای باز و بسته

ویژگی	فضاهای باز	فضاهای بسته
تعریف مرز	تعریف ضعیف مرزها	مرزهای به شدت تعریف شده
سیستم ارزشی	ارزش‌های چندگانه حمایت می‌شود	ارزش‌های غالب قانونمند شده است
واکنش به تفاوت و گوناگونی	تفاوت و گوناگونی جشن گرفته می‌شود	تفاوت و گوناگونی تحمل نمی‌شود
نقش سیاست‌گذاری	سیاست‌گذاری مرزها ضرورتی ندارد	نگهداری مرزها مقدم بر همه چیز است، سطح بالایی سیاست‌گذاری
جایگاه عمومی <sup>۷</sup>	تصرف عمومی در حاشیه <sup>۸</sup>	تصرف عمومی در مرکز <sup>۹</sup>
چشم‌انداز فرهنگ	چندفرهنگی	تک‌فرهنگی

مأخذ: Sibley, 1995، به نقل از Malone, 2002: 158

سیبلی (Sibley, 1995)، جغرافی‌دانی که مطالعات گسترده‌ای روی محرومیت در فضاهای عمومی انجام داده است، با استفاده از اصطلاحات «فضاهای باز»<sup>۱۰</sup> و «فضاهای بسته»<sup>۱۱</sup>، چارچوب مفیدی برای تفکر درباره مرزها فراهم می‌آورد.

1. Crusty space
2. Prickly space
3. Jittery space
4. Monitored
5. Observed.
6. Inclusion
7. Position of public
8. Public occupy the margin
9. Public occupy the centre
10. Open space
11. Closed space

سیلی می‌گوید فضای به‌شدت طبقه‌بندی‌شده، مرزهای به‌شدت تعریف‌شده‌ای دارد. همسانی درونی و نظم چنین فضایی ارزش دارد و در آن یک دغدغه نسبت به حفظ مرز با اشیاء یا افرادی که مناسب طبقه‌بندی مشترک (یا فرهنگ) شکل گرفته به‌وسیله گروه مسلط (خودی‌ها) نیستند، وجود دارد. نظم طراحی و دید بالای مرزهای داخلی، که الگوهای سنتی سازمان اجتماعی را به‌هم زده است، آنچه از فرهنگی متفاوت باشد را مخرب و تفرقه‌آمیز نشان می‌دهد. نمونه‌های فضای به‌شدت طبقه‌بندی‌شده شامل مراکز خرید، کلیساها، مدارس و مکان‌هایی‌اند که تنها به کسانی که به آنها تعلق دارند خوشامد گفته می‌شود. در این مکان‌ها «تفاوت»، «تشویق»<sup>۱</sup> یا «تحمل»<sup>۲</sup> نمی‌شود. در مقابل، فضاهای با طبقه‌بندی ضعیف، ضعیف تعریف شده‌اند یا مرزهای بازی دارند و با ویژگی‌های ترکیب و تفاوت اجتماعی مشخص می‌شوند. آنها شامل فضاهایی مانند: محوطه‌های ورزشی، کارناوال‌ها و فستیوال‌ها می‌شوند. تفاوت و گوناگونی در فرهنگ، هویت و فعالیت در این فضاهای باز تحمل می‌گردد، درک می‌شود و بعضی وقت‌ها حتی جشن گرفته می‌شود. سیاست‌گذاری این مکان‌های باز ضرورتی ندارد، همان‌طور که دغدغه کمتری برای قدرت یا ممانعت وجود دارد. چرمایف و الکساندر (۱۳۵۳: ۱۵۷)، سلسله‌مراتب فضاهای شهری، یا عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی را به شش طبقه تقسیم کرده‌اند:

- ❖ **فضاهای عمومی شهری:** جاها و تسهیلاتی که متعلق به عموم است؛ مانند شاهراه‌ها، جاده‌ها، راه‌ها و پارک‌های شهری.
- ❖ **فضاهای نیمه‌عمومی شهری:** فضاهایی خاص از شهر که مورد استفاده عموم قرار می‌گیرند؛ ولی دولت یا مؤسسه‌ای بر آنها نظارت می‌کند و سرپرستی آنها را به عهده دارد، مانند بنای شهرداری‌ها، دادگاه‌ها، مدارس دولتی، دفاتر پست، بیمارستان‌ها، ایستگاه‌های مسافربری، پارکینگ‌ها، گاراژها، تعمیرگاه‌ها، استادیوم‌ها و تئاترها.
- ❖ **فضاهای عمومی خاص یک گروه:** جاهایی که در مرز عرصه خدمات و تسهیلات عمومی و عرصه مستغلات خصوصی قرار گرفته‌اند و هر دو عرصه باید به آن دسترسی داشته باشند و در قبال آن مسئول‌اند. مانند جاهایی که از خدمات پستی، جمع‌آوری زباله، آب و برق، آتش‌نشانی و احتیاجات فوری و فوتی دیگری مانند آن استفاده می‌کنند.
- ❖ **فضاهای خصوصی خاص یک گروه:** انواع جاهای کم‌اهمیت‌تر که تحت نظارت دستگاه اداره‌کننده‌ای از جانب بخش دولتی یا بخش خصوصی برای مستأجران حقیقی یا حقوقی باشند.
- ❖ **فضاهای خصوصی خانواده:** فضاهایی در عرصه خصوصی که در اختیار یک خانواده واحد باشد و اختصاص به فعالیت‌های این خانواده داشته باشد.
- ❖ **فضاهای خصوصی فرد:** اطاق اختصاصی هر شخص یا هر یک از اعضای خانواده. خلوتگاه اختصاصی هر فرد که در آن، فرد جدا از دیگر اعضای خانواده بتواند به اندیشه و استراحت نشیند.

## فضای عمومی از منظر مخاطبان فضا

برگرز (Burgers, 1999) با توجه به «مخاطبان»<sup>۱</sup> فضاها، آنها را به مجموعه‌ای از چشم‌اندازها طبقه‌بندی می‌کند که حوزه‌های بخش‌های اجتماعی مختلف یا گروه‌های ذی‌نفع را شکل می‌دهد:

- ❖ فضای عمومی برافراشته<sup>۲</sup>: چشم‌اندازهای تسریع‌کننده توانایی‌های حکومتی و اقتصادی
- ❖ فضای نمایشی<sup>۳</sup>: «چشم‌اندازهای وسوسه و اغوا»<sup>۴</sup>
- ❖ فضای شادی<sup>۵</sup>: چشم‌اندازهای هیجان و خوشی
- ❖ فضای در معرض دید<sup>۶</sup>: «چشم‌اندازهای بازتاب و ستایش»<sup>۷</sup>
- ❖ فضای رنگی<sup>۸</sup>: چشم‌اندازهای مهاجران و اقلیت‌ها
- ❖ فضای حاشیه‌ای<sup>۹</sup>: «فضای ناپهنجاری و محرومیت»<sup>۱۰</sup>

دینز و کتل (Dines and Cattell, 2006:26-31)، با توجه به اینکه استفاده‌کنندگان چگونه با فضا «تعامل می‌کنند»<sup>۱۱</sup>، از تعامل (درگیری) اجتماعی با فضا و درک از آن به‌عنوان روشی برای شناسایی ۵ طبقه استفاده کرده‌اند:

- ❖ مکان‌های روزمره<sup>۱۲</sup>: طیف وسیعی از فضاهای وصف‌ناپذیر واحدهای همسایگی که قلمرو عمومی و حوزه‌های روزمره برای تعامل را شکل می‌دهند؛
- ❖ مکان‌های معنا<sup>۱۳</sup>: که از فردی به فرد دیگر متفاوت بوده و به معناها و وابستگی‌های ویژه‌ای مربوط است که به فضای ویژه متصل‌اند؛ هم مثبت و هم منفی؛
- ❖ محیط‌های اجتماعی<sup>۱۴</sup>: که از طریق طراحی و کاربردشان در عمل برخوردهای اجتماعی میان استفاده‌کنندگان را به هر دو صورت زودگذر و پرمعنا تشویق می‌کنند.
- ❖ مکان‌های انزوا: این شانس را به مردم می‌دهند که با افکارشان تنها باشند یا با گروه کوچکی از دوستان معاشرت کنند؛
- ❖ فضاهای منفی: جایی که بعضی جنبه‌های رفتارهای ضداجتماعی تجربه می‌شود، شامل نژادپرستی و فعالیت‌های مخربی که اغلب به‌عنوان تهدیدکننده درک می‌شوند.

1. Clientele
2. Erected public space
3. Displayed space
4. Landscapes of temptation and seduction
5. Exalted space
6. Exposed space
7. Landscapes of reflection and idolisation
8. Coloured space
9. Marginalised space
10. Landscapes of deviance and deprivation
11. Engage
12. Everyday places
13. Places of meaning
14. Social environments

## فضای عمومی از منظر کالبدی

کار و همکاران (Carr et al., 1992: 79) ۱۱ نوع از فضا را شناسایی می‌کنند: ۱. پارک‌های عمومی؛ ۲. میدان‌ها و پلازاها؛ ۳. یادبودها؛ ۴. بازارها؛ ۵. خیابان‌ها؛ ۶. زمین‌های بازی؛ ۷. فضای باز اجتماع؛ ۸. سبزره‌ها<sup>۴</sup> و پارک‌راه<sup>۵</sup> یا بلوارها؛ ۹. بازارهای سرپوشیده<sup>۶</sup>؛ ۱۰. فضاهای یافته‌شده<sup>۷</sup>/ فضاهای روزمره؛ و ۱۱. آب‌کنارها<sup>۸</sup>.

در نهایت کارمونا و همکاران (Carmona et al, 2008)، همان‌طور که در جدول ۳ مشخص است، انواع فضا را به ۴ نوع کلی فضای مثبت، فضای منفی، فضای مبهم و فضای خصوصی تقسیم کرده‌اند که هر کدام از این کل‌ها نیز شامل فضاهای دیگری در سطح پایین می‌شود.

جدول ۳. انواع فضای شهری

نوع فضا	ویژگی‌های متمایز	نمونه‌ها
فضاهای مثبت <sup>۹</sup>		
۱. فضای شهری طبیعی / نیمه‌طبیعی <sup>۱۰</sup>	سیماهای طبیعی و نیمه‌طبیعی در درون مناطق شهری که معمولاً در مالکیت دولت‌اند	رودخانه‌ها، سیماهای طبیعی، کنار دریاها، کانال‌ها
۲. فضای مدنی <sup>۱۱</sup>	اشکال سنتی فضای شهری، یا در دسترس برای همه و دارای طیف گسترده‌ای از کارکردها	خیابان‌ها، میدان‌ها، تفرجگاه‌ها
۳. فضای باز عمومی <sup>۱۲</sup>	فضای باز مدیریت‌شده، معمولاً سبز و در دسترس و باز برای همه، حتی اگر به‌طور موقت کنترل شود	پارک‌ها، باغ‌ها، چمن‌زارها، جنگل‌های شهری، گورستان‌ها
فضاهای منفی <sup>۱۳</sup>		
۴. فضای حرکت <sup>۱۴</sup>	فضایی که تحت تسلط نیازهای حرکتی است، به‌طور گسترده برای حمل‌ونقل موتوری	جاده‌های اصلی، راه‌های ماشین‌رو، راه‌آهن‌ها، زیرگذرها
۵. فضای خدمات <sup>۱۵</sup>	فضایی که تحت تسلط نیازهای ضروری خدمات‌دهی مدرن است	پارکینگ‌های ماشین، محوطه‌های خدمات
۶. فضای پس‌مانده <sup>۱۶</sup>	فضایی که بعد از اقدام توسعه‌ای باقی می‌ماند و اغلب بدون کارکرد طراحی می‌شود	اسلوپ <sup>۱۷</sup> (فضایی که بعد از برنامه‌ریزی باقی می‌ماند)، فضای باز مدرنیستی
۷. فضای تعریف‌نشده <sup>۱۸</sup>	فضای توسعه‌نیافته، خواه ره‌اشده یا در انتظار توسعه مجدد	فضای توسعه مجدد، فضای ره‌اشده، فضای انتقالی

1. Memorials
2. Markets
3. Community open spaces
4. Greenways
5. Parkways
6. Atrium/indoor marketplaces
7. Found spaces
8. Waterfronts
9. 'Positive' spaces
10. Natural/semi-natural urban space
11. Civic space
12. Public open space
13. 'Negative' spaces
14. Movement space
15. Service space
16. Left-over space
17. SLOAP' (space left over after planning)
18. Undefined space

## ادامه جدول ۳. انواع فضای شهری

فضاهای مبهم <sup>۱</sup>	
۸. فضای جابه‌جایی <sup>۲</sup>	ایستگاه‌های حمل‌ونقل و جابه‌جایی خواه درونی یا بیرونی
۹. فضای خصوصی عمومی <sup>۳</sup>	فضای خارجی ظاهراً عمومی، در حقیقت دارای مالکیت خصوصی بوده و در درجه‌های شدیدتر یا کمتر کنترل می‌شوند
۱۰. فضاهای برجسته <sup>۴</sup>	فضاهای عمومی طوری طراحی شده که غریبه‌ها برجسته شوند و در نهم ناخوشایند باشند
۱۱. فضای عمومی درونی‌شده <sup>۵</sup>	به‌طور رسمی برای استفاده‌های عمومی و خارجی، درونی‌شده و اغلب خصوصی
۱۲. فضای خرده‌فروشی <sup>۷</sup>	فضاهای مبادله با مالکیت خصوصی و دسترسی عمومی
۱۳. فضاهای مکان سوم <sup>۸</sup>	مکان‌های اجتماعی و برخوردهای نیمه‌عمومی، عمومی و خصوصی
۱۴. فضای عمومی خصوصی <sup>۹</sup>	به لحاظ مالکیت عمومی، اما فضایی که به لحاظ کارکردی و استفاده‌کنندگان مشخص‌اند.
۱۵. فضای خصوصی قابل رؤیت <sup>۱۰</sup>	به لحاظ فیزیکی خصوصی، اما قابل رؤیت
۱۶. فضای واسطه‌ای <sup>۱۱</sup>	به لحاظ فیزیکی تعیین حدود شده، اما به لحاظ عمومی قابل دسترس و واسطه‌ی میان فضای عمومی و خصوصی
۱۷. فضای با استفاده‌کنندگان گزینشی <sup>۱۲</sup>	فضاهایی برای گروه‌های منتخب، مشخص‌شده به‌وسیله‌ی سن یا فعالیت (و بعضی وقت‌ها کنترل‌شده)
فضاهای خصوصی <sup>۱۳</sup>	
۱۸. فضای باز خصوصی <sup>۱۴</sup>	پس‌مانده‌های کشاورزی شهری، زمین‌های جنگلی خصوصی
۱۹. فضای خصوصی خارجی <sup>۱۵</sup>	خیابان‌ها/ زمین‌های محصور دارای دروازه، باغ‌های خصوصی، کلوب‌های ورزشی خصوصی، محوطه‌های پارکینگ
۲۰. فضای خصوصی داخلی <sup>۱۶</sup>	اداره‌ها، خانه‌ها و غیره

مأخذ: Carmona et al, 2008: 62

1. Ambiguous spaces
2. Interchange space
3. Public 'private' space
4. Conspicuous spaces
5. Internalised 'public' space
6. Introspective mega-structures
7. Retail space
8. Third place spaces
9. Private 'public' space
10. Visible private space
11. Interface spaces
12. User selecting spaces
13. Private spaces
14. Private open space
15. External private space
16. Internal private space

## جمع‌بندی و ارائه الگوی نظری

با توجه به مفاهیم متفاوت فضای عمومی که درباره آن بحث شد، و نیز ابهامات زیاد در کلمات تشکیل دهنده و مرتبط با این اصطلاح مانند کلمه عمومی، فضا، و مکان و مردم؛ طبقه‌بندی فضای عمومی هم بسیار متنوع و گسترده خواهد بود. در یک نگاه کلی به متون مربوط به فضای عمومی، حوزه‌های عمده مورد بحث در آن را می‌توان در پنج طبقه موضوعی گروه‌بندی کرد:

۱. یکی از ویژگی‌های کلیدی فضای عمومی، بحث شرایط مالکیت فضا است. نویسندگانی مانند سورکین (۱۹۹۲)، زوکین (۱۹۹۵)، برجی (۲۰۰۱)، لافلند (۱۹۸۰)، کوهن (۲۰۰۴) و استهللی و میشل (۲۰۰۸)، مالکیت را یکی از عناصر مهم برای عمومیت فضا شناسایی کرده‌اند. این نویسندگان رشد پدیده خصوصی‌سازی فضای شهری را مسئول به مخاطره افتادن قلمرو عمومی شهرها می‌دانند.
۲. دومین طبقه موضوعی در تحقیقات فضای عمومی توجه به شکل فیزیکی یک مکان عمومی است. در این تعاریف و مفهوم‌سازی‌ها، فضای عمومی همراه با مکان‌های شهری فیزیکی واقعی است. برای نمونه، براون (۲۰۰۳: ۱۰) فضای عمومی شهری را «شامل میدان‌های رسمی، جاده‌ها و خیابان‌ها، و همچنین زمین‌های خالی و دیگر فضاهای لبه‌ای می‌داند». حجم عظیمی از محققان این طبقه از رشته‌های طراحی شهری، برنامه‌ریزی شهری و معماری و البته در کشور ایران از جغرافیا<sup>۱</sup> می‌آید. نگهداری از فضای عمومی با توجه به ویژگی‌های کالبدی مختلف مانند تمیزی و غیره از دیگر بحث‌های عمده در این حوزه است.
۳. سومین طبقه موضوعی از رشته‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی می‌آید. ادبیات فضای عمومی در این رشته‌ها به استفاده از فضای عمومی برمی‌گردد. به عبارت دیگر، موضوع مورد تمرکز در این حوزه «سرزندگی»<sup>۲</sup> فضای عمومی است. با توجه به مکان‌های تجمع آزاد و تعامل میان اعضای یک جامعه، مکان‌های عمومی صحنه فیزیکی‌اند که «فعالیت‌های کارکردی و آیینی که یک اجتماع را به هم پیوند می‌دهند؛ خواه در شکل عادی زندگی روزانه یا در فستیوال‌های دوره‌ای اتفاق افتد (Carr et al., 1992: xi). کتاب «زندگی میان ساختمان‌ها» از یان گل (۱۹۹۶) و «زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک» از وایت (۱۹۸۰)، نمونه عینی این گروه از محققان‌اند که به ویژگی‌هایی مانند دوستانه و صمیمی بودن، یا دعوت‌کننده بودن فضا، یا در یک اصطلاح کلی، «متناسب یا بانزاکت»<sup>۳</sup> بودن فضا تمرکز دارند.
۴. حوزه چهارم تحقیقات مربوط به فضای عمومی به عرصه‌ای می‌پردازد که در آن ارتباط حساس و شکننده‌ای میان آزادی و کنترل آشکار می‌شود. بسیاری از نویسندگان مانند کار و همکاران (۱۹۹۲)، میتشل (۲۰۰۳)، و

۱. پژوهش‌گران رشته جغرافیا در ایران، برخلاف محققان خارجی (که تمرکز زیادی روی ماهیت، چستی، محرومیت، فلسفه فضای عمومی، تضاد طبقاتی و مکانیسم‌های تولید فضا و مکان دارند)، بیشتر شکل فیزیکی فضای عمومی و نقش آن در سلامتی، آرامش و غیره را مورد توجه قرار داده‌اند. به عبارت دیگر، در مطالعات مربوط به فضای عمومی در میان جغرافی‌دانان کشور تفاوت زیادی بین محققان این رشته و رشته‌های طراحی و شهرسازی به چشم نمی‌خورد. با توجه به اینکه این بحث با عنوان گفت‌وگوهای فضای عمومی در کشور در قالب یک مقاله آماده شده و به زودی چاپ خواهد شد، در اینجا به همین مختصر اکتفا می‌شود.

گودسل (۲۰۰۳)، کیفیتی که در آن مکان عمومی عرصهٔ دموکراتیکی برای زندگی عمومی باشد را به‌عنوان عنصری پایه‌ای برای عمومیت فضای عمومی در نظر می‌گیرند. آنها یادآوری می‌کنند که مکان‌های عمومی به لحاظ تاریخی صحنه‌ای برای بیان نارضایتی‌های مردم به مسائل مربوط به حکومت بوده‌اند؛ در نتیجه آنها مکان‌هایی‌اند که حقوق اساسی در آنجا از طریق جامعهٔ دموکراتیک تضمین می‌شود؛ مانند حقوق آزادانه صحبت کردن و تجمع. آنچه اخیراً اتفاق افتاده افزایش نظارت و ابزار کنترل در فضای عمومی است (Koskela, 2000, Atkinson, 2003).

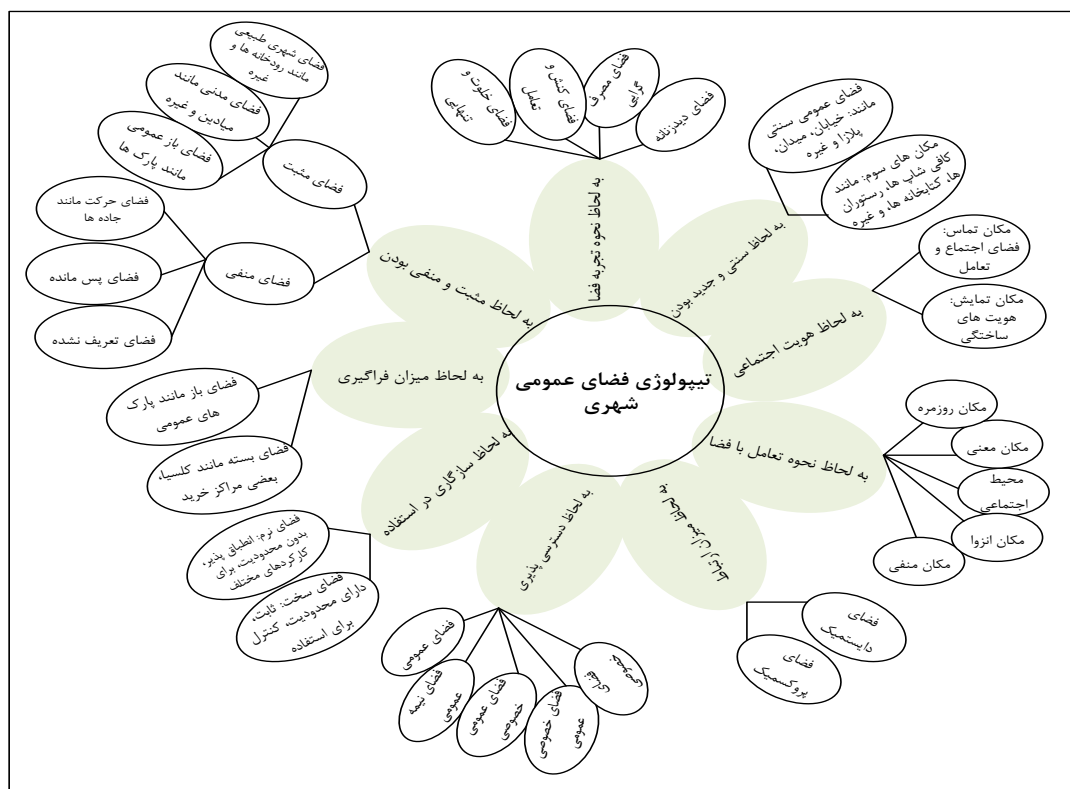
۵. پنجمین و آخرین حوزهٔ مورد توجه در موضوع فضای عمومی، توجه به میزان «اجتماعی بودن»<sup>۱</sup> فضا است. در این حوزه نقش فضای عمومی در زندگی عمومی، توجه به زوال فضاهای عمومی سنتی، و نیز زوال و حتی از بین رفتن ماهیت عمومی موضوع بحث قرار می‌گیرد. از نویسندگان مطرح در این حوزه می‌توان به ریچارد سنت اشاره داشت (Sennett, 1977; 1990, 1994).

در کنار اینها باید به بسیاری از پژوهش‌گران اشاره داشت که فضای عمومی را به‌صورت «مفهوم چندبعدی»<sup>۲</sup> با توجه به حوزهٔ مطالعهٔ خود (جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، مردم‌شناسی، رفتارشناسی، و غیره) تعریف می‌کند. برای نمونه در تعریف کوهن (۲۰۰۴: ۱۱)، فضای عمومی دارای سه بعد اصلی مالکیت، دسترسی‌پذیری و چندفاعلی (یعنی انواع برخوردها و تعاملاتی که یک مکان تسهیل می‌کند) است. طبقه‌بندی کارمونا (۲۰۰۳: ۲۷۶) (نک. به جدول ۳) شامل «کارکرد»<sup>۳</sup> و «درک»<sup>۴</sup> می‌شود که ایده‌آل او برای «شهر شادی‌افزا»<sup>۵</sup> را تعریف می‌کند. کارمونا یک پیوستار (زنجیره)<sup>۶</sup> از فضای آشکار تا فضای خصوصی آشکار را پیشنهاد می‌کند که شامل ۲۰ نوع فضا در ۴ گروه می‌شود؛ اما او ضرورت ارتباط بین ابعاد مختلف را توضیح نمی‌دهد. آیریس ماریون یانگ (۱۹۹۰ و ۲۰۰۰) دسترسی‌پذیری، شمول<sup>۷</sup> و تحمل تفاوت<sup>۸</sup> (باز برای چیزهای دیگر غیریکسان<sup>۹</sup>) را در تعریف چندبعدی خود برجسته می‌کند. مدنی‌پور (۱۹۹۹: ۲۰۰۳) سه بعد دسترسی (دسترسی به مکان به‌علاوهٔ فعالیت‌ها در مکان)، نمایندگی (جایگاه کنترل و تصمیم‌سازی در حال حاضر) و بهره‌مندی (ذی‌نفعان اهداف فعالیت‌ها و تصمیماتی که بر مکان تأثیر می‌گذارند) را در تعریف خود برجسته می‌کند. نیث و اشمیت (۲۰۰۷: ۲۰۱۰) سه بعد مالکیت، مدیریت، و استفاده / استفاده‌کنندگان را مرکز توجه خود قرار می‌دهند. بدین ترتیب، در یک جمع‌بندی از طبقه‌بندی‌های مختلف از فضای عمومی معاصر توسط اندیشمندان، گونه‌شناسی فضای عمومی معاصر را به صورت شکل ۳ می‌توان نشان داد.

1. Sociality
2. Multi-dimensional concept
3. Function
4. Perception
5. Unoppressive city
6. Continuum
7. Inclusion
8. Tolerance of difference
9. Openness to „unassimilated otherness

## ارائه تعریفی جدید از فضای عمومی

همان‌طور که بحث شد، فضاهای عمومی دارای شکل‌های مختلفی‌اند؛ انواع مختلف فضاهای باز مانند پارک‌ها، بازارها، خیابان‌ها، و میدان‌ها؛ فضاهای بسته مانند مراکز خرید، کتابخانه‌ها، سالن‌های شهری، استخرهای شنا، کلوب‌ها و بارها؛ و فضاهای میانی مانند باشگاه‌ها و انجمن‌های محدودشده به مردم خاصی مانند ساکنان آپارتمان‌های مسکونی، علاقمندان به شطرنج، طرفداران تناسب اندام، ماهی‌گیران، اسکیت‌سواران و موارد مشابه. در حقیقت هر فضای عمومی دارای ریتم‌های خود برای استفاده و مقررات است که در طی روز یا بر اساس فصل به‌طور مکرر تغییر می‌کند: میدان‌ها در شب‌ها خالی‌اند، اما در موقع نهار پر از مردم‌اند؛ خیابان‌ها محدود به پیاده‌روی<sup>۱</sup> و گذر‌اند، اما تبدیل به مرکز اعتراف عمومی می‌شوند؛ کتابخانه‌های عمومی معمولاً ساکت‌اند و با سروصدای بازدیدکنندگان مدرسه به صدا درمی‌آیند؛ قهوه‌خانه‌ها و کافی‌شاپ‌ها که به‌طور مرتب از یک مکان برای «مکالمه دسته‌ای»<sup>۲</sup> تا مکانی برای سروصدای کرکننده و بدن‌های فشرده به هم تغییر می‌کند. هیچ فضای عمومی ازلی<sup>۳</sup> وجود ندارد، تنها «فضا- زمان‌های تجمع»<sup>۴</sup> متنوع وجود دارند.



شکل ۳. گونه‌شناسی فضای عمومی معاصر

مأخذ: نگارنده

1. Ambling
2. Transit
3. Huddled conservation
4. Archetypal public space
5. Space-time of aggregation



بدین ترتیب، در تعریف فضای عمومی معاصر نمی‌توان به‌صورت مطلق صحبت کرد. به عبارت دیگر، وقتی در تعریف فضای عمومی از اصطلاح باز بودن یا اجتماعی بودن، یا در دسترس بودن برای همه صحبت می‌شود، طیف وسیعی از فضاهای عمومی با توجه به این تعاریف از شمول آن خارج می‌شوند. برای نمونه، وقتی فضای عمومی به‌عنوان فضایی باز تعریف می‌شود، طیف وسیعی از فضاهای بسته مانند کافی‌شاپ‌ها، رستوران‌ها، سینماها و غیره از شمول آن خارج می‌شود. به همین ترتیب است وقتی از اصطلاح فضایی برای تعامل و کنش اجتماعی در تعریف فضای عمومی استفاده می‌شود. فضاهای عمومی زیادی وجود دارند که کارکرد اجتماعی به آن صورت ندارند. بسیاری از فضاهای عمومی معاصر آن کارکرد اجتماعی در فضاهای عمومی سابق مانند پلازاها، میدان‌ها و خیابان‌ها را ندارند. برای نمونه، پارک‌های موضوعی، مراکز خرید و مکان‌های دیگر، فضاهایی صرفاً برای مصرف، دیدنی و تفریح‌اند و نمی‌توان خیلی از اصطلاح اجتماعی بودن برای آنها استفاده کرد.

با توجه به این موارد، در این مقاله سعی شده است تعریف جدیدی از فضای عمومی ارائه شود که قابلیت شمول به طیف وسیعی از فضاهای شهری را داشته باشد. تعریف ارائه‌شده به این صورت است:

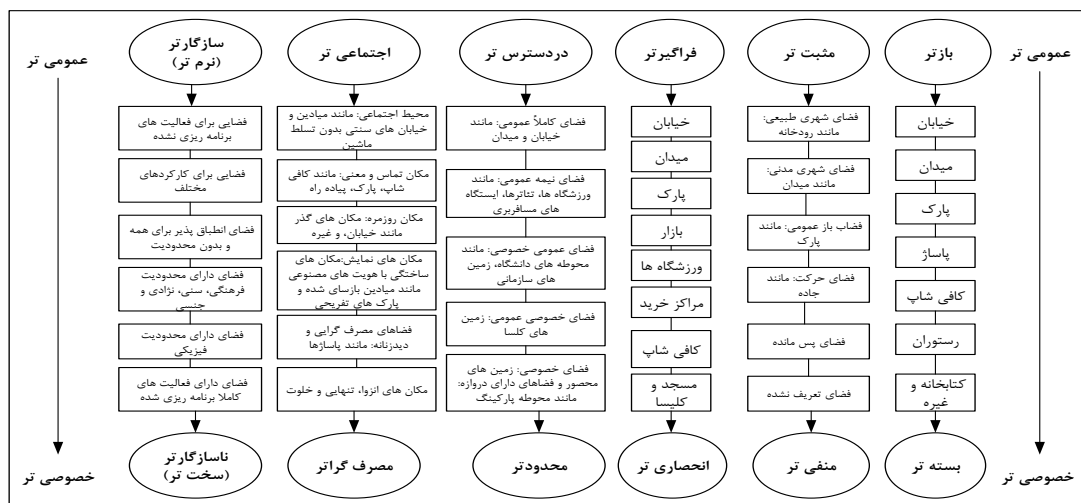
«فضای عمومی معاصر، اصطلاحی کلی شامل مکان‌های عمومی، فضاهای عمومی فیزیکی و فضاهای عمومی مدنی است که طیف وسیعی از فضاهای عمومی سنتی (مانند خیابان و میدان) و فضاهای عمومی جدید (مانند پاساژها، کافی‌شاپ‌ها و غیره) را در بر می‌گیرد و مجموعه این فضاها منجر به شکل‌گیری عرصه عمومی شهری می‌شود. میزان عمومیت فضای عمومی، با توجه به شرایط تاریخی جامعه، حکومت سیاسی، شرایط اقتصادی (نیروهای سیاسی و بازار)، سنت‌های فرهنگی و تجربه شخصی از فضا متفاوت است. یک فضای عمومی شهری هر چه بازتر، مثبت‌تر، فراگیرتر، در دسترس‌تر، اجتماعی‌تر و سازگارتر (نرم‌تر) باشد، میزان عمومیت آن نیز بیشتر خواهد بود».

اصولی که در این تعریف نهفته است عبارتند از:

۱. **ماهیت متغیر فضای عمومی:** فضای عمومی ازلی وجود ندارد؛ بنابراین نباید از فضاهای عمومی سنتی مانند خیابان، میدان، بازار، پلازا و غیره انتظار همان کارکردی را داشت که در شهرهای باستانی یا حتی در ۱۰۰ سال پیش داشتند. امروزه باید از فضاهای جدید صحبت کرد؛ یعنی مکان‌های سوم اولدنبگ مانند کافی‌شاپ‌ها، رستوران‌ها، کتابخانه‌ها و غیره. در کنار آن باید فضای جریان‌های کاستلز را هم مدنظر داشت؛ یعنی فضاهای مجازی که در شبکه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای شکل می‌گیرند. بنابراین ماهیت فضای عمومی سنتی دگرگون شده است و فضاهای عمومی جدیدی شکل گرفته‌اند که بایستی در مفهوم‌سازی فضای عمومی مورد توجه باشد.

۲. **بحث عمومیت فضای عمومی:** همان‌طور که فضای عمومی ازلی وجود ندارد، فضای عمومی مطلق نیز وجود ندارد، میزان عمومیت هر فضای عمومی با توجه به شاخص‌های آن تعریف می‌شود. اندازه این شاخص‌ها بستگی به شرایطی دارد که این شرایط اصل سوم نهفته در این تعریف است:

۳. **توجه به شرایط تاریخی، سیاسی، سنت‌های فرهنگی، نیروهای اقتصادی و نیز تجربه شخصی از فضا در جوامع مختلف:** خیابانی که ساکنان تهران به‌عنوان فضای عمومی تجربه می‌کنند، با خیابانی که شهروندان پاریس یا ونیز یا لندن تجربه می‌کنند با هم متفاوت خواهد بود. چون که شرایط شکل‌گیری این فضا و نیروهای مؤثر در شکل‌گیری آنها متفاوت از هم بوده‌اند.



شکل ۴. الگوی نظری گونه‌شناسی فضاهای عمومی معاصر با توجه به میزان عمومیت فضا

مأخذ: نگارنده

پس این تعریف، عمومیت فضای عمومی را با توجه به ویژگی‌های آن مورد توجه قرار می‌دهد. ویژگی اساسی این تعریف توجه به جریان‌های معاصر در گفتمان فضای عمومی، ارائه تعریف نسبی از عمومیت فضای عمومی و توجه به ویژگی‌ها و شرایط اجتماعی- فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در جوامع مختلف است. اعتقاد نویسنده بر این است که تعریف ارائه شده می‌تواند به صورت شناور در جوامع مختلف، طیف وسیعی از فضاهای شهری را شامل شود. فضایی در یک جامعه ممکن است با توجه به ویژگی‌های عمومی بودن فضا در طیف بالای عمومیت قرار گیرد، در حالی که در جامعه دیگر از میزان عمومیت آن کاسته شود. با توجه به این تعریف، گونه‌شناسی فضاهای عمومی معاصر به عنوان یک الگوی نظری را می‌توان با توجه به شش معیار اساسی طبقه‌بندی کرد. شکل ۴ این الگوی نظری را نشان می‌دهد.

این شش معیار عبارتند از: باز بودن فضا، مثبت بودن، فراگیر بودن، در دسترس بودن، اجتماعی بودن و سازگار بودن فضا. هر کدام از این شش معیار که در بالاترین سطح الگو قرار گرفته‌اند، برابرنهاد خود را در پایین‌ترین سطح الگو تولید می‌کنند. از بررسی اصطلاح فضای عمومی در میان این نهادها در سطح بالا تا برابرنهادها در سطح پایین است که میزان عمومیت آن مشخص خواهد شد. به عبارت دیگر، در این الگو هر چه از بالا به سمت پایین حرکت می‌کنیم، از عمومیت فضا نیز کاسته شده و به سمت خصوصی شدن سیر می‌کند. البته باید اشاره کرد که فضای عمومی در پایین‌ترین سطح این الگو هم دارای میزانی از کارکردهای عمومیت فضا خواهد بود. این میزان بسته به شرایطی است که در جوامع مختلف حاکم است (اصل سوم در تعریف جدید فضای عمومی).

## منابع

- چرمایف، سرچ؛ کریستفر، الکساندر؛ (۱۳۵۳). عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی: به جانب یک معماری انسانی، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۳۲۵ ص.
- عظیمی دوبخشری، ناصر؛ (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی منطقه‌ای: شهر و انباشت سرمایه، نشر نیکا، مشهد چاپ اول، ۲۵۶ ص.
- نوربرگ، شولتز؛ (۱۳۸۴). کریستین، مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی، ترجمه امیر یاراحمدی، انتشارات آگه، چاپ دوم، تهران، ۲۱۹ ص.
- هاروی، دیوید؛ (۱۹۸۸). جغرافیای قدرت طبقاتی، در مجموعه مقالات: مانیفست پس از ۱۵۰ سال، ترجمه حسن مرتضوی، انتشارات آگه، تهران، چاپ اول.
- Altman, I; Zube, E. H. eds.; (1989). Public places and spaces. Human Behaviour and Environment. Volume 10. New York, Plenum Press.
- Arendt, H.; (1958). The public realm: the common. In Glazer, N. and Lilla, M. eds. (1987) The Public Face of Architecture. Civic Culture and Public Spaces. New York, The Free Press, pp. 5 – 12.
- Atkinson, R.; (2003). Domestication by Cappuccino or a Revenge on Urban Space? Control and empowerment in the management of public spaces, *Urban Studies*, 40 (9), pp. 1829 – 1843.
- Banerjee, T.; (2001). the future of public space: beyond invented streets and reinvented places, *APA Journal*, 67(1): 9–24.
- Brown, A.; (2006). Contested space: street trading, public space, and livelihoods in developing cities. Rugby, ITDG Pub.
- Buttimer, A.; Seamon, D. eds.; (1980). The Human Experience of Space and Place. New York, St. Martin's Press.
- Carmona, M.; de Magalhaes C.; Leo H.; (2008). Public Space: The management dimension, Routledge
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T. and Tiesdell, S. (2003) Public Spaces Urban Spaces: The dimension of urban design. 1st edn. London, Architectural Press.
- Carr, S., M. Francis, L.G., Rivlin; A. M., Stone; (1992). Public Space, Cambridge, Cambridge University Press.
- Creswell, T. (2004) Place: A Short Introduction. Cornwall, Blackwell.
- Dines, N.; V. Cattell; (2006). Public Spaces, Social relations and Wellbeing in East London, Bristol, The Policy Press.
- Flusty, S.; (1997). 'Building paranoia', in N. Ellin (ed.), Architecture of Fear, New York, Princeton Architectural Press.
- Foucault, M.; (1986). Of Other Spaces. *Diacritis*, 16 (1), pp. 22 – 27.
- Franck, K.; Stevens, O.; (2007). Loose Space: Possibility and Diversity in Urban Life, London, Routledge.
- Fraser, N.; (1990). Rethinking the public sphere: a contribution to the critique of actually existing democracy, *Social Text*, 25/26, pp. 56 – 80.

- Friedmann, J.; (2007). Reflections on place and place-making in the cities of China. *International Journal of Urban and Regional Research*, 31 (2), pp. 257-279.
- Gehl, J.; (1996). *Life Between Buildings. Using Public Space*, Skive, Arkitektens Forlag.
- Gehl, J.; Gemzøe, L.; (1999). *Public Spaces Public Life - Copenhagen 1996*. Copenhagen, The Danish Architectural Press and The Royal Danish Academy of Fine Arts School of Architecture Publishers.
- Goodsell, C. T.; (2003). The Concept of Public Space and its Democratic Manifestations, *The American Review of Public Administration*, Vol 33, pp 361- 383.
- Goss, J.; (1993). Magic of the mall: an analysis of form, function and meaning in the retail built environment, *Annals of the Association of American Geographers*, Vol. 83, pp 18- 47.
- Gulick, J.; (1998). the “disappearance” of public space: an ecological Marxist and Lefebvrian approach’ in A. Light and J. Smith (eds) *The Production of Public Space*, Oxford, Rowman and Littlefield.
- Habermas, J. (1989). *the structural transformation of the public sphere: An inquiry into a category of bourgeois society*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Hall, E. T.; (1966). *The Hidden Dimension: Man’s Use of Space in Public and Private*, New York, Doubleday and Co.
- Jackson, J. B.; (1984). The American Public Space. in Glazer, N. and Lilla, M. eds. (1987) *The Public Face of Architecture. Civic Culture and Public Spaces*, New York, The Free Press, pp. 276 – 291.
- Kilian, T.; (1998). ‘Public and private, power and space’, in A. Light and J.M. Smith (eds) *Philosophy and Geography II: The Production of Public Space*, Lanham, MD, Rowman & Littlefield.
- Kohn, M.; (2004). *Brave New Neighbourhoods: The Privatization of Public Space*. London, Routledge.
- Koskela, H. (2000). ‘The gaze without eyes’: video-surveillance and the changing nature of urban space, *Progress in Human Geography*, 24 (2), pp. 243-265.
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space* (trans. by D. Nicholson-Smith). Oxford, Blackwell.
- Light, A.; Smith J. M.; (1998). *Philosophy and Geography II: The Production of Public Space*, Lanham, MD, Rowman & Littlefield.
- Lofland, L.H. (1998). *The Public Realm: Exploring the City’s Quintessential Social Territory*. New York, Aldine de Gruyter.
- Lopes, M.N. and Camanho, A.S. (2012). *Public Green Space Use and Consequences on Urban Vitality: An Assessment of European Cities*, Springer Science+Business Media B.V., pp 1-17
- Low, S. M. (2000). *On the plaza: The politics of public space and culture*. Austin: University of Texas Press.
- Low, S. and Neil, S. (2006). *The Politics of Public Space*, London, Routledge.
- Madanipour A. (2003). *Public and Private Spaces of the City*, Routledge, London and New York

- Madanipour, A. (1999). why are the design and development of public spaces significant for cities? *Environment and Planning B: Planning and Design*, 26, pp. 879 – 891.
- Malone, K. (2002). Street life: youth, culture and competing uses of public space, *Environment and Urbanization*, Vol. 14, pp 157- 168
- Massey, D. (2005). *for space*. London, Sage.
- Mensch, J. (2007). Public space. *Continental Philosophy Review*, 40, pp. 31 – 47.
- Mitchell, D. (1995). ‘The end of public space? People’s park, definitions of the public and democracy’, *Annals of the Association of American Geographers*, 85(1): 108–33
- Mitchell, D (2003). *The right to the city: Social justice and the fight for public space*. New York: Guildford.
- Németh J. (2009). Defining a Public: The Management of Privately Owned Public Space, *Urban Studies*, 46(11) 2463–2490.
- Németh J. (2010). Security in public space: an empirical assessment of three US cities, *Environment and Planning A 2010*, volume 42, pages 2487-2507.
- O’Meara, S. (2007). *Space and Muslim Urban Life: At the Limits of the Labyrinth of Fez*, First published 2007, by Routledge, Simultaneously published in the USA and Canada, 2007
- Oldenburg, R. (1999). *The Great Good Place: Cafes, Coffee Shops, Bookstores, Bars, Hair Salons and other Hangouts at the Heart of a Community*. New York, Marlowe & Company.
- Orum, M. A. (2010). Introduction. In Orum, M. A. and Neal, P. Z. eds. *Common Ground? Readings and Reflections on Public Space*. New York, Taylor and Francis, pp. 13 – 17.
- Orum, M. A. and Neal, P. Z. eds. (2010). *Common Ground?: Readings and Reflections on Public Space*. New York, Taylor and Francis.
- Relph, E.; (1976). *Place and Placelessness*. London, Pion.
- Rogers, S.; (1999). *Performance Management in Local Government: The Route to Best Value*, (2nd edn), London, Financial Times/Pitman Publishing.
- Schmidt, S.; Nemeth, J.; Botsford, E.; (2011). The evolution of privately owned public spaces in New York City, *URBAN DESIGN International* Vol. 16, 4, 270–284.
- Scruton, R.; (1984). The Public Interest. In Glazer, N. and Lilla, M. eds. (1987) *The Public Face of Architecture. Civic Culture and Public Spaces*. New York, The Free Press, pp. 13 – 25.
- Sennett, R.; (1990). *The Conscience of the Eye: the Design and Social Life of Cities*. London, Faber & Faber.
- Sennett, R.; (1994). *Flesh and stone. The body and the city in western civilization*. New York: Norton.
- Sennett, R.; (1977). *THE FALL OF PUBLIC MAN*, Published by the Penguin Croup
- Sibley, D.; (1995). *Geographies of Exclusion: Society and Difference in the West*, First published 1995 by Routledge
- Sircus, J.; (2001). Invented places, *Prospect*, 81(Sept/Oct): 30–5.
- Sorkin, M.; (1992). *Variations on a Theme Park: The New American City and the End of Public Space*, New York, Hill and Wang.

- Staehele, L.; Mitchell, D.; (2008). *The People's Property? Power, Politics, and the Public*. New York, Routledge.
- Tibbalds, F.; (1992). *Making People-Friendly Town: Improving the public environment in towns and cities*, First published 1992 by Longman Group UK, Ltd.
- Tuan, Yi-Fu; (1977). *Space and Place: The Perspective of Experience*. Minneapolis, University of Minnesota Press.
- Urban Task Force; (1999). *Towards an Urban Renaissance*. London, Spon.
- Van Melik, R.; Van Aalst, I.; van Weesep, J.; (2007). Fear and fantasy in the public domain: the development of secured and themed urban space. *Journal of Urban Design*, 12 (1), pp. 25 – 42.
- Wallin, L.; (1998). Stranger on the green' in A. Light and J.M. Smith (eds) *Philosophy and Geography II: The Production of Public Space*. Lanham, MD, Rowman & Littlefield.
- Whyte, W. H.; (1980). *The Social Life of Small Urban Spaces*. Washington DC, Conservation Foundation.
- Worpole, K.; K. Knox; (2007). *The Social Value of Public Spaces*, York, Joseph Rowntree Foundation.
- Young, I. M.; (1990). *Justice and the Politics of Difference*. Princeton, University Press.
- Young, I. M.; (2000). *Inclusion and Democracy*. Oxford, Oxford University Press.
- Zukin, S.; (1995). *The Cultures of Cities*. Oxford, Blackwell Publishers.
- Zukin, S.; (2000). whose culture? Whose city? In Orum, M.A. and Neal, Z. P. (2010) eds. *Common Ground? Readings and Reflections on Public Space*. New York, Taylor and Francis, pp. 110 – 117.